

# بررسی رخدادهای شگفت پس از شهادت امام حسین علیه السلام

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ در آینه پژوهش : سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۶۷ - ۱۲۱

محمد رضا جباری\*

## چکیده

رخداد عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام در رأس مهم‌ترین حوادث تاریخ بشریت قرار دارد. عظمت این حادثه را می‌توان با تحلیل زمینه‌ها، چرایی، چگونگی وقوع، پیامدها و آثار آن بررسی کرد. یکی از نشانه‌های عظمت این حادثه، رخدادهای شگفتی است که غالب آنها شکل خرق عادت داشته و در پی شهادت امام حسین علیه السلام به وقوع پیوست. بعضی از این رخدادهای مربوط به اجزای نظام هستی همچون خورشید، ماه، ستارگان و زمین است. و بخشی دیگر به انبیاء و فرشتگان، و بخشی هم به جنیان و حیوانات اختصاص داشته، و برخی نیز مربوط به انسان‌هاست. در این نوشتار، با بررسی روایات شیعه و اهل سنت، این رخدادهای ضمن ده محور مورد بازکاوی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: عاشورا، امام حسین علیه السلام، حوادث خارق العاده، رخدادهای شگفت، خسوف، خسوف، بادهای سرخ و سیاه، بارش خاکستر و خون، گریه اجزای هستی، گریه انبیاء، گریه فرشتگان، گریه جنیان، گریه حیوانات.

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

## مقدمه

حادثه عاشورا به لحاظ ماهیت، اهداف و آثار، از بزرگ‌ترین رخدادهای تاریخ بشریت است؛ چرا که قهرمان حادثه، شخصیتی است چون امام حسین بن علی علیه السلام، که به منظور حفظ کامل‌ترین و آخرین دین الاهی، جان خود را فدا کرد.

از جمله شواهد عظمت این قیام و شدت فاجعه شهادت رهبر آن، رخدادهای شگفتی است که در پی شهادت آن حضرت، در جهان هستی پدید آمد. حتی در یک نگاه گذرا به متون تاریخی و روایی شیعی و سنی، می‌توان به تعداد زیادی از گزارش‌های این حوادث برخورد کرد که در مجموع حکایت از آن دارند که این حادثه، در میان حوادث رخ داده در جامعه بشری، تافته‌ای است جداافتده، و بدین لحاظ در خور دقت و بررسی.

فراوانی روایات یاد شده در منابع غیرشیعی از سویی، و وجود بعضی روایات ضعیف - و گاه سخیف - در میان این روایات از سوی دیگر، موجب پیدایش نوعی بدبینی نسبت به مجموع این روایات - به‌ویژه منقولات در منابع غیرشیعی - گشته است. برخی چنین پنداشته‌اند که نقل این‌گونه روایات توسط مورخان غیر شیعی، ناشی از نوعی حرکت مرموز و پنهان، برای ایجاد غفلت نسبت به اصل قیام و اهداف آن، و توجه دادن اذهان مردم به امور و قصه‌های عجیب است که بعضاً ریشه در اخلاق و عادات عصر جاهلی دارد. زیرا در عصر جاهلی در پی فقدان افراد مهم قبیله حوادث عجیبی را نقل می‌کرده‌اند. ۱۴۵

بعضی دیگر، به صرف نقل این‌گونه روایات توسط مورخان متمایل به امویان همچون ابن سعد، آنها را غیرقابل باور خوانده‌اند؛ چراکه مدعی هستند بیشتر این‌گونه روایات توسط راویانی از اهل شام یا بصره نقل شده و در این روایات، هیچ نكوهشی از یزید یا قاتلان امام علیه السلام صورت نگرفته است. ۱۴۶

از سوی دیگر، بعضی از مورخان متعصب اهل سنت - همچون ابن کثیر دمشقی - این‌گونه روایات را ساخته و پرداخته شیعه و از مجعولات آنان دانسته‌اند. ۱۴۷

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

در بررسی دیدگاه یاد شده، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. هر چند غرض‌ورزی مورخان متمایل به امویان در کم رنگ کردن هدف قیام امام حسین علیه السلام قابل انکار نیست، اما انکار حوادث شگفت‌انگیز به صرف غرض‌ورزی این دسته از مورخان نیز از دقت و انصاف علمی به دور است.
۲. روایات ناقل رخدادهای عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام، علاوه بر منابع روایی اهل سنت، در بسیاری از منابع روایی شیعه نیز به چشم می‌خورد و تعداد زیادی از آنها از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است.

۳. مضامین روایات یاد شده آنچنان نیست که با بدهات عقلی و شواهد نقلی ناسازگار باشد. و مواردی عجیب‌تر از آنها، در خوارق عادات نقل شده برای پیامبران و ائمه علیهم‌السلام به چشم می‌خورد. البته ناگفته نماند که در میان این روایات، مواردی نیز وجود دارند که قابل استبعاد بوده و به داستان‌سرایی شباهت بیشتر دارند تا نقل واقعیت.

۴. به هر حال، خود این روایات - به گونه مستقیم یا غیرمستقیم - گویای حقانیت مسیر حسینی‌علیه‌السلام و بطلان مسیر یزیدی است. و بدین لحاظ، کسانی که با تأمل و هوشیاری کافی با این روایات مواجه شوند درس لازم را فراخواهند گرفت. ضمن اینکه در همین گزارش‌ها - چنان که اشاره خواهیم داشت - به روایات جالبی درباره گرفتاری‌های دنیوی قاتلان امام حسین‌علیه‌السلام و قاتلان اصحاب آن حضرت برمی‌خوریم.

۵. در صورت درستی این ادعا که مؤلفان غیرشیعی و راویان بصری یا شامی این روایات، با توجه دادن اذهان به سوی اموری عجیب و خارق‌العاده، خواسته‌اند نفس حادثه کربلا و فلسفه و زمینه‌های رخداد آن کمتر مطرح شود، باز این امر، دلیل کذب روایات یاد شده و افسانه بودن آنها نمی‌تواند باشد. شاهد این مدعا، رفتارهای رسانه‌های تابع استکبار، در عصر حاضر است که گاه برای انصراف اذهان از یک حادثه و توجه دادن به حادثه‌ای دیگر، تمام گزارش‌های خبری خود را در اقدامی هماهنگ، متوجه حادثه مورد نظر خود می‌کنند. بنابراین، صرف عطف توجه بیشتر به یک حادثه - به هر منظوری که صورت پذیرد - دلیل کذب این رخداد نیست.

اکنون با عنایت به آنچه گذشت، گذری بر روایات متعدد و متنوع مربوط به رخدادهای شگفت پس از شهادت امام حسین‌علیه‌السلام خواهیم داشت. و تلاش ما بر آن خواهد بود که روایات را دسته‌بندی، بررسی و ارائه کنیم. گفتنی است که بعضی از این گزارش‌ها مربوط به رخدادهای عجیب مرتبط با اجزای تکوینی نظام هستی همچون خورشید، ستارگان، باد، باران، دریاها و کوه‌ها، و بعضی از آنها مرتبط با حیوانات و جنیان، و بعضی نیز مرتبط با انبیا و فرشتگان است.

## خبری تحلیلی ادیان نیوز

در تعدادی از این گزارش‌ها، عقوبت‌های دنیوی قاتلان شهدای کربلا و نیز تبدیل ماهیت اشیا و اموال به غارت رفته از شهدا و اسرای کربلا آمده، و در گروهی دیگر، به گزارش‌های مربوط به جسم، سر، قبر و تربت مطهر امام حسین‌علیه‌السلام برمی‌خوریم. بدین لحاظ، مجموع این گزارش‌ها را در ده محور کلی - به گونه‌ای که در پی می‌آید - ارائه، و در بعضی موارد به تحلیل روایات خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که بعضی از این رخدادها - همچون گریه اجزای نظام هستی و گریه انبیا و فرشتگان - برای مردم عادی قابل درک و مشاهده نبوده است. و حوادثی همچون کسوف و خسوف، اقتضای آن را دارد که عموم مردم آن را مشاهده کرده باشند. اما حوادثی چون وزش بادهای سیاه و سرخ یا بارش خاکستر و خون یا یافت شدن خون در بعضی نقاط، و نیز تبدیل اشیا به غارت رفته، می‌تواند در نقاط خاصی همچون مناطقی که بیشتر ساکنان آن از مخالفان بوده‌اند - رخ داده باشد. و رخدادهای مربوط به جسم و سر مطهر امام‌علیه‌السلام و نیز عقوبت جنایت‌کاران، طبیعی است که برای شاهدان ماجرا محسوس بوده باشد.

## ۱. کسوف و تاریکی آسمان

یکی از رخدادهای عجیب پس از شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، بروز کسوف (گرفتگی خورشید) است، که موجب تیرگی عجیب آسمان و حتی رؤیت ستارگان شد! ۱۴۸ این حادثه - به همراه برخی رخدادهای دیگر- وضعیتی را پدید آورد که به گفته برخی شاهدان، مردم تصور بروز قیامت را داشتند! ۱۴۹ علاوه بر این، برخی از محدثان از بروز خسوف در شام روز عاشورا نیز خبر داده‌اند. ۱۵۰ در بعضی از گزارش‌ها، به تلاطم و برخورد ستارگان نیز اشاره شده است. ۱۵۱ به هر حال چنین تحولی در روز عاشورا، جزء گزارش‌های عجیب و مشهور در منابع شیعی و سنی است.

۱۵۲

ممکن است با مشاهده روایات یاد شده، برخی، بی‌اختیار به روایت نبوی صلی الله علیه و آله درباره کسوف آسمان پس از مرگ فرزندش ابراهیم منتقل شوند. براساس آن روایت، هنگامی که ابراهیم (فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماریه قبطیه) از دنیا رفت، خورشید دچار کسوف گشت و مردم با خود گفتند: این کسوف به علت مرگ فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به محض شنیدن این شایعه بر فراز منبر رفته و ضمن خطبه‌ای فرمود: «ای مردم! کسوف خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه‌های خداوند هستند و به امر الهی در حرکتند، و مطیع اویند و به خاطر مرگ و زندگی کسی دچار کسوف نمی‌شوند، پس هرگاه کسوف کردند نماز به جای آرید». ۱۵۳

بدین ترتیب، چگونه می‌توان روایات حاکی از کسوف و تاریکی آسمان پس از شهادت امام حسین علیه السلام را پذیرفت؟

در پاسخ باید گفت: آنچه در روایت نبوی صلی الله علیه و آله نفی شده، رخداد کسوف یا خسوف به علت مرگ یا ولادت فردی از افراد است، حتی اگر فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ اما آنچه در روز عاشورا رخ داد صرفاً مرگ یک فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله نبود، بلکه حادثه‌ای عظیم در تاریخ بشر بود که از حوادث و فجایع متعددی ترکیب شده و نقطه اوج آن، شهادت سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن وضع دلخراش بود. از این رو - نه فقط انسان‌های با ایمان- که نظام هستی متأثر از چنین رخدادی شد و حوادثی که در حال شرح رخداد آنها هستیم- از جمله کسوف و خسوف- نمودها و جلوه‌های این تأثیر می‌باشند. و این در حالی است که با مرگ یک مؤمن - بر اساس برخی روایات که پس از این خواهیم آورد- تنها محل نمازش و نیز محل صعود اعمال و نزول رزق او در آسمان، بر او می‌گریند.

## ۲. وزش بادهای سیاه و سرخ و بارش خاکستر و خون

سید ابن طاووس در توصیف وضعیت پدید آمده پس از شهادت امام حسین علیه السلام چنین گفته: «به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام غباری به شدت سیاه و تاریک - که باد سرخی آن را همراهی می‌کرد - برخاست به گونه‌ای که

چیزی قابل مشاهده نبود و مردم گمان کردند عذاب بر ایشان نازل شده، و این وضعیت تا ساعتی ادامه داشت سپس وضع به حال طبیعی بازگشت» ۱۵۴

به نظر می‌رسد وزش باد سیاه و سرخ متلازم با بارش خاکستر باشد که در برخی روایات دیده می‌شود. این معنا در روایت صحیح السنن و مشهور شیخ صدوق از ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام به چشم می‌خورد که فرمود: «...هنگامی که جدم حسین علیه السلام کشته شد آسمان خون و خاک سرخ بارید...» ۱۵۵

در روایت دیگر شیخ صدوق - که به صورت مسند از طریق مفضل بن عمر نقل شده- آمده که روزی امام حسن علیه السلام به برادرش امام حسین علیه السلام نگریسته و گریست و درباره سب گریه اش چنین فرمود:

... هیچ روزی همچون روز تو نیست ای اباعبدالله! سی هزار نفر در حالی که مدعی اند از امت جدمان محمد صلی الله علیه و آله - می‌باشند و خود را به اسلام نسبت می‌دهند برای کشتن تو و هتک حریمت و اسارت اهل و فرزندان و غارت اموالت همدست می‌شوند و در چنین روزی، بنی امیه سزاوار لعنت (دوری از رحمت خدا) خواهند شد و آسمان خاکستر و خون خواهد بارید و همه چیز - حتی وحشیان بیابان و ماهیان دریاها- بر تو خواهند گریست. ۱۵۶

در روایت نسبتاً مفصلی که از میثم تمار نقل شده و او، بر اساس شنیده‌هایش از امیر مؤمنان علی علیه السلام، به جزئیات عجیبی از حادثه عاشورا و پیامدهای شهادت امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند، نیز بارش خاکستر به چشم می‌خورد. از آنجا که این روایت، بسیاری از شگفتی‌های مترتب بر شهادت آن حضرت را در بر دارد. بخشی از آن را از نظر می‌گذرانیم. این روایت را شیخ صدوق با سندش از جبله مکیه و او از میثم تمار چنین نقل کرده است:

به خدا قسم، این امت، فرزند پیامبرش را در دهم محرم خواهد کشت و دشمنان خدا آن روز را روزی مبارک به شمار خواهند آورد. و این حادثه، قطعاً رخ خواهد داد و علم الهی به آن تعلق گرفته و من آن را از مولایم امیر مؤمنان علیه السلام - پس از تعلیم الهی به او - فرا گرفته‌ام. مولایم فرمود: همه چیز - حتی وحشیان بیابانها و ماهیان دریاها و پرندگان آسمان- بر حسین علیه السلام خواهند گریست. و خورشید و ماه و ستارگان و زمین و مؤمنان از انس و جن و همه فرشتگان آسمانها و زمینها و رضوان و مالک و حاملان عرش نیز بر او خواهند گریست. و آسمان خون و خاکستر خواهد بارید... ۱۵۷

در دو روایت دیگر که توسط ابن قولویه ۱۵۸ و ابن عساکر ۱۵۹ نقل شده، نیز به بارش خاک سرخ از آسمان اشاره شده است.

بارش خون از آسمان پس از شهادت ابی عبدالله علیه السلام نیز یکی از شگفت‌ترین رخدادهای تاریخی است. این رخداد به طرق متعدد در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده به گونه‌ای که جای تردید در وقوع آن باقی نمی‌ماند.

در روایاتی که پیش از این نقل کردیم ضمن پیش‌گویی‌های امام حسن‌علیه‌السلام دربارهٔ حادثهٔ کربلا، و نیز پیش‌گویی‌های میثم تمار به نقل از امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام دربارهٔ این حادثه، به بارش خون و خاکستر از آسمان اشاره شده بود. ۱۶۰

در روایت مسند شیخ طوسی از عمار بن ابی‌عمار نیز آمده که: «در روز قتل حسین‌علیه‌السلام، آسمان خون تازه بارید». ۱۶۱ در برخی منابع روایی نیز از فردی به نام قرظۀ بن عبیدالله چنین نقل شده:

در نیمهٔ یک روز آسمان باریدن گرفت و چون به دستار سفید رنگی (که به آن باران خورده بود) نگریستم آنرا به رنگ خون یافتم. و شترم به بستر رودخانه رفت که آب بنوشد اما خونین شده بود. و سپس دریافتم که آن روز، حسین‌علیه‌السلام کشته شده بود. ۱۶۲

در روایت ابن‌قولویه از مردی از اهالی بیت‌المقدس نیز آمده که: «تا سه روز بر ما خون تازه می‌بارید!»، ۱۶۳ و به گفتهٔ حماد بن سلمه: «در شب‌های پس از قتل حسین، بر مردم خون می‌بارید». ۱۶۴

در روایت مسند دولابی از ابراهیم نخعی نیز چنین می‌خوانیم: «هنگامی که امام حسین‌علیه‌السلام کشته شد، آفاق آسمان سرخ گشت. سپس شکافته شد و خون بارید». ۱۶۵

در نقل قاضی نعمان از زنی به نام ام‌سالم نیز آمده که:

آن‌گاه که امام حسین‌بن‌علی‌علیه‌السلام کشته شد از آسمان، بارانی همچو خون باریدن گرفت به گونه‌ای که خانه‌ها و دیوارها سرخ رنگ شد و این رویداد به بصره و کوفه و شام و خراسان نیز رسید در حدی که ما تردیدی در نزول عذاب نداشتیم. ۱۶۶

در روایت نضرهٔ آزدیه نیز می‌خوانیم: «آن‌گاه که حسین کشته شد از آسمان خون باریدن گرفت و کوزه‌ها و سبوهایمان پر از خون گشت!» ۱۶۷

### ۳. مشاهدهٔ خون در نقاط گوناگون

یکی از رویدادهای بسیار شگفت و شایان توجه پس از شهادت امام حسین‌علیه‌السلام، مشاهدهٔ خون در نقاط مختلف است. تنوع روایات حاکی از این حادثه، و اعتبار سندی برخی از این روایات، موجب حصول اطمینان به وقوع این رویداد می‌شود. روایات یاد شده را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: بعضی از آنها، از یافت شدن خون در زیر سنگ‌ها و کلوخ‌ها در نقاط مختلف حکایت دارند. و بعضی دیگر، وقوع این رویداد را در ناحیهٔ شام و در بیت‌المقدس گزارش کرده‌اند. در برخی روایات، به خونین شدن آب چاه‌ها و نهرها اشارت رفته، و در بعضی دیگر به خونین شدن خاک به

امانت سپرده شده کربلا توسط پیامبرصلی الله علیه و آله به ام سلمه! و در روایتی، ریزش خون از دیوارهای دارالاماره کوفه، به هنگام ورود سرمطهر امام حسین علیه السلام نقل شده و بالاخره در روایتی دیگر، به ریزش خون از درخت ام‌معبد اشاره شده است. و به جز اینها، روایات دیگری نیز در این زمینه به چشم می‌خورد که در ادامه به بیان و بررسی این موارد می‌پردازیم.

### الف) خونین شدن خاک کربلا نزد ام سلمه

تعدادی از منابع شیعی و غیرشیعی، ۱۶۸ روایتی را از ام سلمه - همسر گرامی رسول خداصلی الله علیه و آله - نقل کرده‌اند که با توجه به تعدد منابع گزارش‌کننده و نیز شخصیت مقبول و برجسته ام سلمه در میان همسران پیامبرصلی الله علیه و آله، این روایت شایان توجه است. بر اساس روایت ابن قولویه از امام صادق علیه السلام در یک نوبت که رسول خداصلی الله علیه و آله، در حُجره ام سلمه بود و جبرئیل نیز نزد آن حضرت حضور داشت، ناگاه حسین علیه السلام داخل شد. در این هنگام، جبرئیل به رسول خداصلی الله علیه و آله عرض کرد: امت این فرزند تو را خواهند کشت! آیا خاک زمینی که در آن کشته خواهد شد نشانت ندهم؟ رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: آری. پس جبرئیل دست برد و مشتی از خاک کربلا را به آن حضرت داد، که به رنگ سرخ بود. ۱۶۹ رسول خدا نیز ام سلمه را از ماجرا با خبر ساخته، فرمود: جبرئیل مرا از اینکه امتم حسین را خواهند کشت آگاه ساخته، و این تربت را به من داده، هرگاه خون تازه در آن دیدی، بدان که حسین کشته شده است.

ام سلمه آن خاک را درون شیشه‌ای نهاد. این شیشه و خاک درونش نزد ام سلمه بود تا زمانی که امام حسین علیه السلام قصد خروج از مدینه کرد. ام سلمه نزد حضرت رفته، با نگرانی، پیش‌گویی رسول خداصلی الله علیه و آله درباره شهادت آن حضرت و جریان خاک را بازگو کرد. امام علیه السلام در پاسخش فرمود: اگر نروم نیز کشته خواهم شد! سپس دستی بر چشمان ام سلمه کشید، و او، مکان شهادت امام علیه السلام و یارانش در کربلا را مشاهده کرد. در این هنگام امام علیه السلام مقداری از خاک کربلا را به ام سلمه داد و فرمود: اگر این خاک و خاکی که رسول خداصلی الله علیه و آله داده، خونین شد بدان که من کشته شده‌ام.

وی پس از عزیمت امام علیه السلام به کربلا، همواره به آن خاک می‌نگریست و عصر روز عاشورا آن را خونین یافت؛ از این رو، فریاد واحسینا و ابن رسول الله سر داد. زنان مدینه نیز همراه او گریستند، و در مدینه آنچنان غوغایی بر پا شد که مثل آن دیده نشده بود. ۱۷۰

## ب) یافت شدن خون، زیر سنگ‌ها و کلوخ‌ها

بنابر نقل ابن قولویه از امام صادق علیه السلام، در جریان مواجهه هشام بن عبدالملک با امام باقر علیه السلام در شام، هنگامی که هشام درباره چگونگی آگاهی مردم نواحی مختلف از قتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید، آن حضرت فرمود:

در شب قتل امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا طلوع فجر، هیچ سنگی از روی زمین برداشته نشد جز اینکه زیر آن خون تازه یافتند. و این وضعیت در شب قتل هارون (برادر حضرت موسی علیه السلام) و یوشع بن نون و شمعون بن حمون صفا و در شب بالا رفتن حضرت عیسی علیه السلام به آسمان و شب پس از قتل حسین بن علی علیه السلام نیز به وقوع پیوسته است. با شنیدن این سخنان، چهره هشام از خشم دگرگون شد و از امام باقر علیه السلام پیمان گرفت که تا او زنده است این روایت را برای کسی بازگو نکند! ۱۷۱

همچنین بنابه نقل ابن عساکر، هنگامی که عبدالملک بن مروان از فرزند رأس الجالوت (بزرگ عالمان مسیحی) درباره علامت قتل امام حسین علیه السلام پرسید، او در پاسخ اظهار داشت: «هیچ سنگی در آن روز برداشته نشد جز اینکه زیر آن خون تازه می یافتند». ۱۷۲ این مضمون که پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زیر هر سنگی که برداشتند خون تازه یافتند - به جز موارد یاد شده - در تعداد دیگری نیز از منابع شیعی و سنی به چشم می خورد. ۱۷۳

چنان که گفته شد، در بعضی از روایات، وقوع این رویداد در ناحیه بیت المقدس گزارش شده است. به عنوان نمونه، در روایت شیخ صدوق، از فاطمه بنت علی علیه السلام آمده که: «پس از قتل امام حسین علیه السلام هیچ سنگی در بیت المقدس از زمین برداشته نشد جز آنکه زیر آن خون تازه یافتند!» ۱۷۴

ابن قولویه نیز در روایتی، سخن فردی از اهالی شام را چنین گزارش کرده که گفته: «به خدا سوگند! ما اهالی بیت المقدس و اطراف و نواحی آن، شام قتل امام حسین علیه السلام را چنین شناختیم که هیچ سنگ و کلوخی را برداشتیم جز آنکه در زیر آن خون تازه و جوشان یافتیم». ۱۷۵

همین مضمون از محمد بن مسلم بن شهاب زهری - وابسته به دربار اموی - نیز نقل شده است؛ وی پس از آنکه این حقیقت را برای عبدالملک بن مروان بیان کرد، او نیز ضمن تأیید مطلب، ۱۷۶ زهری را از بازگویی آن برای دیگران منع نمود! و زهری این خبر را پس از مرگ وی بازگو کرد. ۱۷۷

شاید بتوان گفت، سبب تأکید روایات دسته دوم بر منطقه شام و نیز بیت المقدس، حضور بیشتر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و غلبه خاندان اموی بر این مناطق بوده باشد. و به همین لحاظ، این رویداد در این مناطق، از نمود بیشتری برخوردار بوده است.

## ج) خونین شدن آب چاه‌ها و نهرها

پیش‌تر به بارش خون از آسمان به دنبال شهادت امام حسین علیه‌السلام اشاره کردیم. طبیعی است اشیا و زمینی که چنین بارشی بر آن صورت گرفته سرخ رنگ شود. اما روایات دیگری حکایت از آن دارند که با شهادت آن حضرت، آب چاه‌ها و برکه‌ها و نهرها به رنگ خون درآمد است و در این روایات، سخنی از بارش خون در میان نیست. به عنوان نمونه از فردی به نام قرظۀ بن عبیدالله نقل شده که گفته: «روزی که امام حسین علیه‌السلام به قتل رسید، شترم به وادی رفت تا آب بنوشد اما آب وادی خونین بود!» ۱۷۸ از فرد دیگری به نام عمرو بن زیاد نیز نقل شده که: «در روز قتل امام حسین علیه‌السلام چاه‌های ما مملو از خون شد!» ۱۷۹ از نصره آزدیۀ ۱۸۰ - از اهالی بصره ۱۸۱ - نیز نقل شده که گفته: پس از قتل امام حسین علیه‌السلام آسمان خون بارید و همه چیزمان، از جمله چاه‌ها، ظروف و خمره‌ها مان از خون پر شد!» ۱۸۲ و قریب به همین مضمون، از فردی به نام عمار بن ابی‌عمار نقل شده است. ۱۸۳ در بعضی از متون نیز چنین می‌خوانیم: «صبح‌گاه روز پس از قتل امام حسین علیه‌السلام، هر دیگی که غذا در آن طبخ کردند و نیز همه ظروف آب، خونین شد!» ۱۸۴

با تأمل در روایات یاد شده می‌توان گفت این حادثه بایستی در نقاط خاصی روی داده باشد. به عنوان مثال، در روایت نصره آزدیۀ، به وقوع حادثه در ناحیه بصره اشاره شده است. و می‌دانیم که مردم این منطقه در آن زمان دارای گرایش‌های عثمانی بوده و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در آنجا سکنی داشتند. روایاتی نیز که از خونین شدن ظروف آب یا محتویات دیگ غذا حکایت دارند بایستی درباره کسانی باشند که نقشی در وقوع حادثه کربلا داشته‌اند؛ زیرا بر اساس روایاتی که پس از این خواهیم آورد، گوشت شتران به غارت رفته از حرم امام حسین علیه‌السلام به هنگام طبخ خونین شد! و نمی‌توان پذیرفت که ظروف و غذا و آب شرب مردم همه نواحی، خونین شده باشد!

## خبری تحلیلی ادیان نیوز

### د) ریزش خون از درخت ام‌معبد و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

ام‌معبد خزاعی، زنی بادیه‌نشین بود و در مسیر مکه به مدینه در خیمه‌ای، سکونت داشت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسیر هجرت به مدینه به خیمه او رسید و به برکت قدوم مبارک آن حضرت، گوسفند لاغر و بی‌شیر ام‌معبد، دارای شیر فراوانی شد که همه حاضران نوشیده و سیراب شدند. سپس درخت عوسجه‌ای (تمشک وحشی) که در کنار خیمه بود به برکت آب وضوی آن حضرت که به پای آن ریخت، جان تازه‌ای گرفت، رشد کرد، خارهایش ریخت، ریشه‌اش قوی و شاخه‌هایش فراوان شد و برگ‌های سبز و میوه‌های بزرگ و خوشبو یافت. این درخت پس از این ماجرا، در دل آن بیابان خشکیده، مایه برکت برای خانواده ام‌معبد و رهگذران، و نیز موجب شفای بیماران بود. و حتی گوسفندان و شترانی که از برگ آن می‌خوردند فربه و پرشیر می‌شدند. بدین لحاظ، رفته‌رفته، مردم آن نواحی، نام «مبارکه» را برای آن درخت برگزیدند.

این وضعیت ادامه داشت تا اینکه روزی، مردم آن ناحیه، با کمال تعجب مشاهده کردند که میوه‌های درخت فرو ریخته و برگ‌هایش زرد شده! و مدتی بعد، خبر رحلت رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در همان روز پڑمردگی درخت، به آن ناحیه رسید. از آن پس، میوه درخت کمتر از قبل بود و کیفیت آن نیز به لحاظ بزرگی و طعم و بو، پایین‌تر!

این وضع نیز تا سی سال استمرار داشت تا آنکه روزی، مشاهده شد که خارهای درخت بازگشته و همه میوه‌هایش نیز فرو ریخته و از سرسبزی درخت نیز کاسته شده است. و به دنبال آن، خبر شهادت امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام به گوش مردم آن ناحیه رسید. مدت زیادی بدین منوال گذشت تا اینکه روزی مشاهده شد از ساقه درخت، خون تازه جاری شده و برگ‌های آن نیز به گونه‌ای همچون خونابه‌ای که از گوشت جاری است، خونین شده است! از این رو، مردم ناحیه، با خود می‌گفتند که حتماً امر عظیمی رخ داده است؛ و ناگاه در اوایل شب، صدای ناله‌ای از سوی درخت شنیدند که این بیت را ترنم می‌کرد:

أيا ابنَ النبي و يا ابنَ الوصي

ای فرزند نبی و ای فرزند وصی

ويا مِن بقیة السادات الأکرمینا

وای کسی که باقی‌مانده سروران بزرگواری!

و رفته‌رفته صدای ناله و گریه بیشتری به گوش می‌رسید که آنچه گفته می‌شد چندان مفهوم نبود. و پس از این واقعه، خبر شهادت امام حسین‌علیه‌السلام به آن ناحیه رسید، و آن درخت نیز کاملاً خشکید و بادها و باران‌های بیابان آن را در هم شکستند و هیچ اثری از آن باقی نماند. ۱۸۵

عبدالله‌بن‌محمد انصاری (یکی از راویان این جریان) می‌گوید: در مدینه، دعبل‌بن‌علی خزاعی را ملاقات و این خبر را برایش بازگو کردم. و او در تأیید خبر، از طریق پدر و جد و سپس مادر جدش (سعیده بنت ماری الخزاعیه) نقل کرد که او، آن درخت را دیده و در عصر امام علی‌علیه‌السلام از میوه‌اش نیز خورده است. ۱۸۶

## ۵) ریزش خون از دیوار دارالاماره کوفه

بنا به نقلی از حاجب و دربان ابن‌زیاد، هنگامی که سر مطهر امام حسین علیه‌السلام را به دارالاماره کوفه وارد کرده و مقابل ابن‌زیاد نهادند، نگاه این دربان به دیوارهای دارالاماره جلب می‌شود و مشاهده می‌کند که از دیوارها خون جاری شده است. ۱۸۷ برخی از منابع، این ماجرا را از ایوب بن عبیدالله بن زیاد گزارش کرده‌اند. ۱۸۸ و بعید نیست که وی نیز همچون دربان پدرش، شاهد این صحنه بوده باشد.

## بررسی روایات

به جز آنچه گذشت، روایات دیگری نیز - به‌ویژه در منابع اهل سنت - به چشم می‌خورد. ۱۸۹ در یک نگاه کلی به مجموع روایات، با توجه به وجود روایات صحیح و نیز کثرت گزارش‌ها، اصل پیدایش خون در نقاط مختلف پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام جای تردید ندارد. اما در خصوص برخی از روایات، همچون ریزش خون از دیوار دارالاماره کوفه که راوی آن، دربان یا فرزند ابن‌زیاد است، و یا روایت ریزش خون از درخت ام‌معبد که سند معتبری ندارد، و یا خونین شدن آب چاه‌ها و نهرها که اخبار آحاد، از راویانی - بعضاً مجهول بر آن دلالت دارند، باید گفت، با توجه به امکان رخداد این حوادث و عدم استحاله عقلی و بلکه تأیید آنها با روایات متعددی که حکایت از پیدایش خون در نقاط مختلف - همچون زیرسنگ‌ها و کلوخ‌ها - دارند، می‌توان نسبت به وقوع این حوادث اطمینان نسبی یافت. هرچند اگر این روایات به‌خودی‌خود - و بی‌توجه به شواهد و مؤیدات - بررسی شوند برای اثبات مطلب کافی نخواهند بود.

## ۴. گریه اجزای نظام هستی

در روایات متعددی چنین آمده که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام، زمین، آسمان و دیگر اجزای نظام هستی بر کشته شدنش گریستند. فراوانی این روایات به گونه‌ای است که جای تردیدی درباره اصل این رخداد باقی نمی‌گذارد، و مهم، مفهوم و معنای این گونه روایات است. این روایات، به جز اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب آنان، از طریق اهل سنت نیز نقل شده‌اند.

در روایات رسیده از اهل بیت علیه‌السلام، معمولاً به آیه ۲۹ از سوره دخان اشاره شده است که مربوط به هلاکت فرعون و قوم است: «پس آسمان و زمین بر آنان نگریستند و آنان از مهلت یافتگان نبودند».

سپس در ادامه این دسته روایات آمده است که در طول تاریخ، آسمان و زمین، تنها بر دو تن گریستند که عبارتند از: یحیی بن زکریا علیه‌السلام و حسین بن علی؛ جعفر بن محمد بن قولویه قمی (محدث بزرگ شیعه در قرن چهارم) در باب بیست و هشتم کتاب کامل الزیارات، با عنوان «بکاء السماء والارض علی قتل الحسین علیه‌السلام و

یحیی بن زکریا علیه السلام « بیست و هفت روایت در این باره آورده است. ۱۹۰ و باب‌های دیگری نیز با عنوان‌های «بکاء جمیع ما خلق الله علی الحسین علیه السلام» با نه روایت، و «بکاء الملائکة علی الحسین علیه السلام» با بیست روایت و «نوح الجن علی الحسین علیه السلام» با ده روایت به چشم می‌خورد. ۱۹۱

در دومین روایت باب بیست و هشتم که به طور مسند از ابراهیم نخعی نقل شده، آمده که روزی امیر مؤمنان علی علیه السلام وارد مسجد شد و در گوشه‌ای نشست و اصحابش نیز گرد او حلقه زدند. در این هنگام، فرزندش حسین علیه السلام وارد مسجد شد و نزد پدر رفت. امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که دست مبارکش را بر سر فرزندش نهاده بود فرمود: «فرزندم! خداوند اقوامی را در قرآن کریم مورد سرزنش قرار داده و فرموده: فما بکت علیهم السماء والارض وماکانوا منظرین؛ آنگاه حضرت افزود: به خداوند سوگند، تو را خواهند کشت، سپس آسمان و زمین بر تو خواهند گریست». ۱۹۲

از این روایت برمی‌آید که تمامی آنچه در آسمان و زمین است بر قتل امام حسین علیه السلام گریسته است. این معنا، طبق روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام خطاب به زراره به صورت واضح‌تری بیان شده است. در این روایت می‌خوانیم: «ای زراره! آسمان، چهل روز بر حسین علیه السلام با خون گریست، و زمین چهل روز با سیاهی بر حسین علیه السلام گریست. و خورشید چهل روز، با کسوف و سرخی بر حسین علیه السلام گریست. و همانا کوه‌ها از هم پاشیدند، و دریاها متلاطم شدند. و فرشتگان چهل روز بر حسین علیه السلام گریستند...». ۱۹۳

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که: «پس از شهادت امام حسین علیه السلام آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و بین آنهاست، و آنچه از مخلوقات الهی در بهشت و دوزخ قرار دارند، و آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود همگی بر ابی‌عبدالله علیه السلام گریستند، به جز سه چیز که بر آن حضرت نگریستند...». ۱۹۴

آن حضرت سپس در پاسخ راوی، آن سه چیز را بصره و دمشق و آل عثمان بن عفان معرفی فرمود.

در روایت ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نیز آمده که انس و جن و پرندگان و وحوش بر امام حسین علیه السلام به گونه‌ای گریستند که اشکشان جاری شد. ۱۹۵

آن حضرت در روایتی دیگر، پس از اشاره به آیه لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلِ سَمِيًّا و اینکه حضرت یحیی علیه السلام و امام حسین علیه السلام پیش از خود، هم نامی نداشته‌اند، فرمود: «و آسمان و خورشید، چهل روز بر آن دو گریستند، و گریه آنها به این صورت بود که خورشید هنگام طلوع و غروب، سرخ‌رنگ می‌شد». ۱۹۶

در روایت فاطمه بنت علی علیه السلام نیز می‌خوانیم: «... نور خورشید بر روی دیوارها به رنگ سرخ - همچون ملحفه‌های رنگین- مشاهده می‌شد. و اینچنین بود تا زمانی که علی بن‌الحسین علیه السلام به همراه زنان از شام خارج شد و سر امام حسین علیه السلام به کربلا بازگردانده شد.» ۱۹۷

درباره گریه و وحوش نیز روایتی توسط حارث اعور از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که حضرت پیش‌گویی کرده، فرمود: «پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته خواهد شد. به خدا سوگند، گویا انواع وحوش را می‌نگرم که گردن‌هایشان را به سوی قبر او کشیده و بر او می‌گریند و شب تا به صبح در رثای او می‌گریند. پس هرگاه وحوش چنین‌اند، مبادا شما در حق او جفا کنید.» ۱۹۸

گریه آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه، بر شهادت امام حسین علیه السلام، در روایت معروف ابن‌شیبیه از امام رضا علیه السلام نیز به چشم می‌خورد. ۱۹۹

چنان که گذشت، پیش از رخداد کربلا، امیر مؤمنان علی علیه السلام پیش‌گویی‌هایی درباره اصل حادثه و حوادث شگفت پس از آن داشت؛ از این رو، بعضی از خواص اصحاب آن حضرت نیز شنیده‌های خود در این باره را، پیش از رخداد کربلا، برای دیگران بازگو می‌کردند. به عنوان نمونه، هنگام تبعید ابوذر به ربه، توسط عثمان، برخی از مردم به ابوذر گفتند: «دل خوش‌دار، که این سختی‌ها در راه خدا اندک است.» و ابوذر، در پاسخ، ضمن تصدیق این سخن، اظهار داشت:

ولکن شما نسبت به قتل حسین علیه السلام چه خواهید کرد؟ به خداوند سوگند، در اسلام پس از قتل خلیفه (یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام) کشته‌ای بزرگ‌تر از او نخواهد بود. و خداوند شمشیر انتقام خود را به وسیله فردی از ذریه حسین علیه السلام بیرون خواهد کشید. و اگر می‌دانستید که بر ساکنان دریاها و کوه‌ها و بیشه‌ها، جنگل‌ها و صخره‌ها، و اهل آسمان، در نتیجه قتل او چه می‌گذرد، آنچنان می‌گریستید که جان از کالبدتان خارج شود. ۲۰۰

میثم تمار نیز در بیانی مشابه، از گریه همه چیز بر شهادت امام حسین علیه السلام، حتی وحوش بیابان‌ها، ماهیان دریاها، پرندگان آسمان‌ها، خورشید، ماه، ستارگان، آسمان، زمین، مؤمنان از انس و جن، تمامی ملائکه آسمان‌ها و زمین‌ها، رضوان (نگاهبان بهشت)، مالک (نگاهبان دوزخ) و حاملان عرش خبر داد. ۲۰۱

در منابع اهل سنت نیز روایات زیادی دربارهٔ گریهٔ اجزای نظام هستی بر شهادت امام حسین علیه السلام با مضامینی مشابه آنچه گذشت، به چشم می‌خورد که به عنوان نمونه، سخن سیوطی در این باره را نقل می‌کنیم. وی صرفاً اشاره‌ای گذرا به شهادت امام حسین علیه السلام کرده و می‌گوید: قلب، تحمل ذکر تفصیل این داستان را ندارد و سپس به حوادث پس از شهادت پرداخته و می‌گوید:

آن‌گاه که حسین علیه السلام به قتل رسید، نور خورشید به مدت هفت روز بر روی دیوارها، همچون ملحفه‌های رنگین بود، و ستارگان به یکدیگر بر می‌خوردند. قتل حسین علیه السلام در روز عاشورا رخ داد و در این روز خورشید کسوف کرد و آفاق آسمان تا شش ماه پس از قتل او سرخ‌رنگ بود. و این سرخی، پس از آن روز نیز همچنان در آسمان دیده می‌شود، در حالی که پیش از قتل حسین علیه السلام چنین چیزی در آسمان دیده نمی‌شد. ۲۰۲

گریستن هستی بر شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام، در اشعار شعرای اسلامی نیز انعکاس یافته است. به عنوان نمونه، سیدحمیری در این باره چنین سروده:

بَكَتْ الارضُ فَقْدَهٗ وَ بَكَتْهُ

بَكَتْهُ فَقْدَهٗ اربعین صباحا

باحمرارٍ له نواحی السماء

کلَّ یوم عند الضحی والمساء

«زمین بر فقدان حسین علیه السلام گریست و نواحی آسمان نیز با سرخی بر او گریست. این دو (زمین و آسمان) تا چهل روز، هر صبح و شام در فقدان حسین علیه السلام گریستند». ۲۰۳

مضامین مشابهی، در اشعار دیگر شعرای شیعی و غیرشیعی به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، ابوالعلاء معری چنین سروده است:

وعلی الدهر من دماء الشهداءین

وهما فی اواخر اللیل فجران

علی ونجله شاهدان

وفی اولیاته شفقان

«خون‌های آن دو شهید، یعنی علی و پسرش، دو حجت و گواه بر روزگارانند. که در اواخر شب، همچون دو فجر، و در اوایل شب، همچون دو شفق هستند».

و سلیمان بن قته عدوی نیز چنین سروده:

مررت علی ابیات آل محمد(ص)

ألم تر أن الشمس اضحت مریضه

فلم أرها أمثالها يوم حلت

لقد حسين والبلاد افسحرت

«بر خانه‌های آل محمد گذر کردم اما آنها را بسان روزهای آغازین ندیدم. آیا نمی بینی که خورشید از شهادت حسین علیه‌السلام بیمارگون شده و شهرها به لرزه در آمده اند؟» ۲۰۴

## بررسی روایات

فراوانی روایات مربوط به گریه اجزای نظام هستی بر شهادت امام حسین علیه‌السلام اصل وقوع این رخداد را تردیدناپذیر کرده است؛ ضمن اینکه بعضی از این روایات، اسناد قابل قبولی نیز دارند. اما در مقام بررسی و تحلیل محتوایی این گروه از روایات چند موضوع شایان توجه است:

نخست آنکه مدت زمان گریه اجزای هستی بر شهادت امام حسین علیه‌السلام در این روایات، متفاوت آمده است. در روایات نقل شده از معصومان علیه‌السلام سه گونه تعبیر دیده می‌شود: مقید نبودن به زمانی خاص، قید یک سال و قید چهل روز، که روایات دسته سوم از تعداد بیشتری برخوردار است. اما در روایات نقل شده از اصحاب ائمه علیه‌السلام، روایت ابوذر و میثم تمار، عاری از هرگونه تقیید زمانی است و روایت فاطمه بنت علی علیه‌السلام به زمان بازگشت اهل بیت علیه‌السلام به مدینه مقید است. در روایات موجود در منابع اهل سنت نیز چند گونه تعبیر به چشم می‌خورد: مقید نبودن به زمانی خاص، مدت چند روز، یک ماه، چهل روز، دو یا سه ماه و بالاخره یک سال و نه ماه.

در توجیه اختلاف مربوط به مدت گریه اجزای عالم هستی، می‌توان گفت که هرچه به زمان رخداد حادثه نزدیک‌تر می‌شویم نشانه‌های تأثر عالم هستی آشکارتر است؛ از این رو، حوادثی همچون کسوف، بادهای سرخ و سیاه، بارش خون و خاکستر، بلافاصله پس از حادثه رخ داده است. مثلاً در برخی روایات، سرخی خورشید در روزهای پس از شهادت

امام علیه السلام به «علقم» (خون بسته)، یا به «ورده کالدهان» (چرم دباغی شده به رنگ سرخ)، یا به «ملاحف معصفره» (ملحفه‌های رنگ شده با شیرۀ گل سرخ رنگی به نام مَعْصَفَر) تشبیه شده است؛ و این وضعیت در روزهای بعد ادامه نیافته است. مؤید این توجیه، سخن سیوطی است که مدت سرخی همچون «ملاحف معصفره» را هفت روز ذکر می‌کند، سپس می‌گوید که آفاق آسمان به مدت شش ماه پس از شهادت حسین علیه السلام سرخ‌رنگ بود، و در نهایت اظهار می‌دارد که این سرخی همچنان در آسمان رؤیت می‌شود. بنابراین، باید میان سرخی هفت روز اول و شش ماه اول و سرخی پس از آن تفاوتی بوده باشد.

نکته دیگر در روایات یاد شده، تبیین محدوده گریان از نظام هستی بر شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام است. دقت در تعبیر به کار رفته در این روایات نشان می‌دهد که این حادثه چگونه بر پهنۀ عظیم هستی تأثیرگذار بوده است. تعبیر به کار رفته چنین است: آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و بین آنهاست، خورشید، ستارگان، آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، بهشت، دوزخ، ارکان آسمان، پهنۀ زمین، دریاها و ساکنان آنها، ماهیان اعماق دریاها، کوه‌ها و بیشه‌ها و کوهپایه‌ها، جنگل‌ها و صخره‌ها، درختان با شاخه‌هایشان، تمامی فرشتگان آسمان و زمین، وحوش بیابان، مؤمنان انس و جن، رضوان، مالک، حاملان عرش، کعبه، مقام ابراهیم و مشعر الحرام بر امام حسین علیه السلام گریستند.

اما گریه موجودات بی‌جان و جمادات چگونه توجیه‌پذیر است؟ آیا این گونه روایات را باید بر معنای کنایی و تخیلی و تمثیلی حمل کنیم؟ یا آنکه می‌توان مفهومی حقیقی از آنها استنباط کرد؟

با توجه به دشواری درک گریه موجودات بی‌شعور، روایات یاد شده را برخی با تقدیر گرفتن یک مضاف توجیه کرده‌اند مثلاً: بکت السماوات والارضون را به بکی اهل السماوات والارضون تفسیر کرده‌اند. برخی نیز آن را تعبیری کنایی دانسته‌اند. برخی دیگر، آن را رسمی باقی مانده از عصر جاهلی دانسته‌اند که برای تعظیم فقدان برخی شخصیت‌ها، این تعبیر را به کار می‌برده‌اند. ۲۰۵

به نظر می‌رسد اگر آیاتی همچون: انْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ و لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (اسراء: ۴۴) و يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (جمعه: ۱) را بدون هرگونه توجیه و تأویلی معنا کنیم، چنان که اجزای هستی، تسبیح‌گوی حق می‌تواند باشد، وهمین، حکایت از گونه‌ای شعور در آنها دارد، همین‌ها می‌توانند بر شهادت شخصیتی چون ابی‌عبدالله علیه السلام گریان باشند. اما گریه هرچیز متناسب با هموست:

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم

اما این که گریه اجزای نظام هستی - بر اساس روایات یاد شده- اختصاص به امام حسین علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام داشته، نیز نشانه‌ای دیگر از عظمت شهادت امام حسین علیه السلام است. چرا که حتی شهادت حضرت یحیی علیه السلام نیز تأثیری همچون شهادت ابی عبدالله علیه السلام بر اجزای نظام هستی نداشته است. شایان ذکر است که بر اساس برخی روایات، بخش‌های محدودی از اجزای هستی بر مرگ مؤمن گریه می‌کنند. بنا به نقل انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «هر مؤمنی را در آسمان دری است که محل صعود اعمال و نزول رزق اوست، و به هنگام مرگ مؤمن، این بخش از آسمان و نیز محل نماز مؤمن در زمین، بر مرگش می‌گریند!» ۲۰۷

## ۵. گریه و عزای پیامبران و فرشتگان

اگر شهادت ابی عبدالله علیه السلام اجزای مختلف عالم هستی را به گریستن واداشت، امر غریبی نیست که انبیای الهی، فرشتگان و جنیان بالیمان نیز بر این مصیبت بزرگ بگریند و عزادار شوند. این حقیقت را می‌توان از روایات متعددی که در منابع شیعی و سنی نقل شده، به دست آورد. در ادامه مباحث، چند نمونه از این روایات را نقل می‌کنیم.

ابن قولویه قمی، روایت مسندی را از ابوبصیر بدین مضمون نقل کرده است:

نزد امام صادق علیه السلام بوم و با آن جناب سخن می‌گفتم که فرزند حضرت وارد شد. آن حضرت او را بوسید و به خود چسبانید و فرمود: خداوند کوچک بدارد آن که شما را کوچک کند و انتقام کشد از آنکه شما را تنها گذارد و خوار سازد. و لعنت کند آنکه شما را به قتل رساند، و خداوند ولی و حافظ و یاری‌کننده شما باشد. همانا گریه زنان و انبیا و صدیقین و شهدا و فرشتگان آسمان برای شما بسیار بوده است.

سپس حضرت گریست و فرمود: ای ابابصیر، هرگاه به اولاد حسین علیه السلام می‌نگرم، به علت آنچه بر پدرشان (حسین علیه السلام) و بر ایشان گذشته، خودداری نتوانم کرد... ۲۰۸...  
فرستادن ادیان نیز  
فرستادن ادیان نیز  
فرق و مذاهب

ابن قولویه روایت دیگری را از امام صادق علیه السلام نقل کرده که طی آن، به گریه صدیقه کبری سلام الله علیها به همراه هزار پیامبر و هزار صدیق و هزار شهید و هزاران هزار تن از کربویان بر شهادت امام حسین علیه السلام اشاره شده است. ۲۰۹

اما درباره گریه فرشتگان - به جز آنچه گذشت - روایات زیادی در منابع به چشم می‌خورد. ۲۱۰ این معنا، در خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید در قالب این جملات آمده که: «من فرزند کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند» ۲۱۱. همچنین در خطبه آن حضرت به هنگام ورود کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام به مدینه چنین آمده:

ای مردم! کدام یک از مردانتان پس از قتل حسین علیه السلام دلشاد خواهد بود؟ و کدامین قلب غیرمحرزون؟ و کدامین چشم، بی‌اشک؟ در حالی که هفت آسمان بر او گریستند و دریاها با امواجشان، و آسمان‌ها با ارکانشان، و زمین به وسعتش، و درختان به شاخه‌هایشان، و ماهیان در عمق دریاها و ملائکه مقرب الهی و همه اهل آسمان‌ها... ۲۱۲

در روایت ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نیز می‌خوانیم که پس از شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام، فرشتگان با گریه و ناله و ضجه از خداوند، انتقام خون آن حضرت را خواستار شدند، و خداوند نیز در پاسخ فرشتگان، از انتقام‌گیری توسط قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داد. ۲۱۳

ابن قولویه روایات متعددی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل کرده که از حضور تعداد زیادی فرشته با هیئت غبارآلود و عزادار بر سر قبر امام حسین علیه السلام در تمامی ساعات شبانه‌روز خبر داده‌اند و آنان به گریه برای مظلومیت آن حضرت و نیز دعا برای زوآر او مشغولند. ۲۱۴ روایت صفوان جمال از امام صادق علیه السلام در این باره را مرور می‌کنیم؛ وی چنین نقل کرده:

در مسیر مدینه به مکه در محضر امام صادق علیه السلام بودم و آن حضرت را محزون و شکسته و غمناک دیدم. علت را جویا شدم، فرمود: اگر آنچه من می‌شنوم را می‌شنیدی چنین پرسشی نمی‌کردی! عرض کردم: چه می‌شنوید؟ فرمود: ناله فرشتگان و نفرین آنان بر قاتلان امیر مؤمنان علی علیه السلام و قاتلان حسین علیه السلام، و ناله جنیان و گریه فرشتگانی که دور قبر حسین علیه السلام هستند و به شدت در جزع و فزع‌اند. با این وجود، چه کسی می‌تواند غذا و نوشیدنی و خواب گوارایش باشد؟! ۲۱۵

## خبری تحلیلی ادیان نیوز

### ۶. گریه و عزای جنیان مؤمن و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

جنیان مومن نیز - بر اساس روایات متعدد - در کنار دیگر موجودات نظام هستی عزادار امام حسین علیه السلام بوده و هستند. اینکه امام صادق علیه السلام «جمیع ما خلق الله» را گریان بر امام حسین علیه السلام معرفی کرد ۲۱۶ شامل جنیان نیز می‌شود. در روایت ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نیز خواندیم که: «انس و جن و پرندگان و وحوش، آنچنان بر حسین علیه السلام گریستند که اشکشان سرازیر گشت». ۲۱۷

به جز این گونه روایات، در برخی از روایات دیگر، کسانی شنیده‌های خود از نوحه‌سرایی و گریه و عزای جنیان را گزارش کرده‌اند، که ام سلمه - همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله - از این جمله است. وی روزی به خادمش گفت:

گویا فرزندم (حسین علیه السلام) کشته شده است، زیرا پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله صدای گریه و نوحه جنیان را شنیده بودم جز دیشب که شنیدم می گفتند: ای دیده من با جدیت گریه کن، و پس از من چه کسی بر شهدا خواهد گریست؟ و چه کسی خواهد گریست بر گروهی که مرگ آنان را در حال حکومت یک برده ۲۱۸ به سوی خداوند قاهری حرکت می دهد. ۲۱۹

ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات بابی تحت عنوان «نوح الجن علی الحسین» مشتمل بر ده روایت گشوده که روایت پیشین از ام سلمه از آن جمله است. در منابع روایی و تاریخی اهل سنت نیز نمونه های متعددی در این باره به چشم می خورد؛ از جمله، روایت ابوجناب کلبی است که چنین نقل کرده:

به کربلا رفتم و به یکی از اشراف آنجا گفتم: شنیده ام شما صدای نوحه جن را می شنوید! گفت: در اینجا کسی نیست که صدای آنان را شنیده باشد. پرسیدم: چه شنیده ای؟ گفت: شنیدم که می گفتند:

مسح الرسول جبینہ

ابواہ من علیا قریش

فلہ بریق فی الخدود

وجدہ خیر الجدود ۲۲۰

در برخی گزارش ها نیز آمده که مردم پس از شهادت ابی عبدالله علیه السلام در بعضی مناطق ندای هاتفی غیبی را شنیده اند که اشعاری در رثای آن حضرت می خوانده، اما صاحب صدا را نمی دیده اند. بعید نیست این گونه نداها نیز از جنیان بوده، و امکان آن نیز هست که فرشتگان و مأموران غیبی خداوند چنین نداهایی را سر داده باشند. بنا به نقل ابن قولویه یکی از اهالی بیت المقدس، شبانگاه پس از شهادت امام حسین علیه السلام، ندای هاتفی غیبی را می شنیدند که می گفت:

اترجو امه قتلت حسیناً

معاذ الله لانلتم یقیناً

قتلتم خیر من ركب المطایا

شفاعة جده يوم الحساب

شفاعة احمد و ابى تراب

وخير الشيب طراً والشباب ۲۲۱

## ۷. گریه و عزای حیوانات

پیش‌تر، روایت حارث اعور از امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره گریه و وحوش و حیوانات بر شهادت ابی‌عبدالله علیه‌السلام را نقل کردیم. ۲۲۲ به جز این، روایات دیگری نیز در دست است که از عزای بعضی حیوانات برای آن حضرت به صورت مستمر و همیشگی حکایت دارند. به عنوان نمونه، روایت سکونی از امام صادق علیه‌السلام را که در برخی منابع معتبر شیعه آمده، نقل می‌کنیم. آن حضرت درباره نوعی کبوتر - معروف به کبوتران راعبی (منسوب به سرزمین راعب، یا کبوترانی با صدای قوی و دارای رعب) - فرمود: «کبوتران راعبی را در خانه‌هایتان نگهداری کنید، چراکه قاتلان حسین علیه‌السلام را لعن می‌کنند. و خدا قاتلش را لعن کند». ۲۲۳

در روایتی مشابه، از داوود بن فرقد چنین نقل شده:

در خانه امام صادق علیه‌السلام نشسته بودم که ناگاه صدای کبوتر راعبی بلند شد. حضرت نگاهی به من کرد و فرمود: ای داوود! آیا می‌دانی این پرنده چه می‌گوید؟ عرض کردم: نه، فدایت گردم. فرمود: بر قاتلان حسین علیه‌السلام نفرین می‌کند. این پرنده‌ها را در خانه‌هایتان نگهداری کنید. ۲۲۴

## خبري تحليلي ادیان نیوز

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب  
عجیب‌تر، روایات مربوط به «جغد» است. ابن قولویه، طی حدیثی مسند از حسین بن ابی‌غندر چنین نقل کرده است:

روزی امام صادق علیه‌السلام از اصحابش پرسید: آیا کسی از شما، جغد را به هنگام روز مشاهده کرده؟ گفتند: خیر، جز در هنگام شب دیده نمی‌شود. حضرت فرمود: این حیوان همواره در نقاط آباد می‌زیست، ولی از زمان قتل حسین علیه‌السلام با خود عهد کرد که در نقاط آباد زندگی نکند و جز در خرابه‌ها به سر نبرد. این حیوان تمام روز را روزه‌دار و حزین است تا اینکه شب در رسد و در دل شب تا صبح برای حسین علیه‌السلام ناله سر می‌دهد. ۲۲۵

روایت مسند ابن قولویه از علی بن صاعد بربری (متولی قبر امام رضاعلیه‌السلام) و او از پدرش، و او از امام رضاعلیه‌السلام گویاتر از روایت پیشین است. ترجمه این روایت چنین است:

روزی به حضور امام رضا علیه السلام رسیدم. آن حضرت پرسید: مردم دربارهٔ جغدها چه نظری دارند؟ عرض کردم: آمده‌ایم از شما پرسیم. فرمود: این حیوانات در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه‌ها و قصرها می‌زیستند و هنگام غذا در برابر مردم نشسته و از غذاهایی که مقابلشان می‌انداختند خورده و از آب سیراب می‌شدند، سپس به لانهٔ خود باز می‌گشتند. اما پس از قتل حسین علیه السلام از آبادی‌ها خارج و به خرابه‌ها و کوه‌ها و بیابان‌ها رفتند و گفتند: چه بد امتی هستی شما، که فرزند دختر پیامبران را کشتید و ما از شما بر خودمان ایمن نیستیم. ۲۲۶

## ۸. تبدیل اشیای به غارت رفته از حرم حسینی علیه السلام

در بخش دیگری از روایات حاکی از حوادث شگفت پس از شهادت ابی عبدالله علیه السلام می‌خوانیم که اشیای به غارت رفته از حرم حسینی علیه السلام تبدیل به چیزهایی شدند که برای غارت‌گران دیگر فایده‌ای به دنبال نداشت و بلکه هشدار می‌نماید نسبت به بزرگی گناهی بود که مرتکب شده بودند. این گونه روایات هر چند در منابع شیعی نیز به چشم می‌خورند اما بیشتر، در منابع سنی همچون تاریخ دمشق و غیر آن یافت می‌شوند. ممکن است - چنان که در مباحث آغازین این نوشتار گذشت - برخی، فراوانی نقل این گونه روایات توسط کسانی چون ابن عساکر را تلاشی برای انحراف اذهان از فلسفهٔ اصلی و ماهیت قیام حسینی علیه السلام توسط نویسندگان غیر شیعی حمل کرده و در اصل ماجرا تردید کنند. اما همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، چنین نظریه‌ای پذیرفتنی نیست، و نظر درست آن است که بگوییم عظمت این رویداد و فراوانی خوارق عادات و پیامدهای شگفت آن، جای کتمان و انکار را حتی برای مخالفان باقی نگذاشت. ضمن اینکه چون اینگونه حوادث به منزلهٔ هشدار و اندازی نسبت به عقوبت مترتب بر این جنایت بود، طبعاً بایستی در مناطق سکونت مخالفان، بیشتر از دیگر نقاط رخ داده باشد؛ بنابراین، طبیعی است روایاتی، همچون روایات تبدیل اشیای غارت شده، توسط امثال ابن عساکر جمع و نقل شوند. در هر حال در ادامه، گزارشی کوتاه از این دسته روایات را ارائه کرده و سپس تحلیلی نسبت به این رخدادها خواهیم داشت.

### الف. غنایم آتشین جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

در بعضی از این دسته روایات می‌خوانیم که از اشیای غارت شده از حرم حسینی علیه السلام، هنگام استفاده، آتش زبانه می‌کشید. به عنوان نمونه، یزید بن هارون از جد هاشم نقل کرده که:

قطعه‌ای گوشت قربانی از شتر متعلق به حسین بن علی علیه السلام را برای ما آوردند. آن را زیر تخت خوابم نهادم، و چون به آن نگریستم دیدم آتش از آن گوشت در حال فوران است! ۲۲۷

در روایت طبرانی از ابو حمید طحان نیز چنین می‌خوانیم:

در میان قبیله خزاعه بودم که شتری به غارت رفته از امام حسین علیه السلام را آوردند و در این باره که آن را نحر کنند یا بفروشند و سپس تقسیم کنند، مشورت کرده و تصمیم به نحر شتر گرفتند. وقتی نحر و طبخ شد و برای خوردن در ظرف نهاده شد آتش از آن گوشت زبانه می کشید. ۲۲۸

روایات دیگری با مضامین مشابه در منابع متعددی از شیعه و اهل سنت به چشم می خورد. ۲۲۹

### **ب. تلخی و خون در گوشت شتر غارتی**

در روایات نقل شده در منابع شیعه و اهل سنت، چنین آمده که شتر به غارت رفته از اردوگاه حسینی علیه السلام توسط غارتگران، نحر، طبخ و آماده خوردن شد اما گوشت آن در تلخی به سان «عَلَم» (هندوانه ابوجهل) شد به گونه ای که حتی ذره ای از آن قابل خوردن نبود. ۲۳۰ در روایتی دیگر، همین جریان را نسبت به شتر حامل سر مطهر امام حسین علیه السلام می خوانیم، به گونه ای که پس از نحر شتر، از شدت تلخی گوشتش کسی نتوانست از آن بخورد. ۲۳۱

روایتی نیز گویای آن است که گوشت شتر به غارت رفته از حرم حسینی را چون طبخ کردند آن را جز خون نیافتند! ۲۳۲

### **ج. تبدیل درهم و دینار و طلا به سنگ و مس**

ابن شهر آشوب از ابن عباس نقل کرده که هنگام حمل سرهای شهدا به همراه اسرا، ام کلثوم هزار درهم به مأمور ابن زیاد داد تا سر مطهر ابی عبدالله علیه السلام را جلوتر برده و اسرا را پشت سر مردم قرار دهد تا مردم با اشتغال به رؤیت سر مطهر، از تماشای اسرا غافل گردند، و مأمور نیز چنین کرد. فردای آن روز، هنگامی که درهم ها را خارج کرد مشاهده کرد که تمامی آنها به سنگ های سیاه تبدیل گشته و بر یک طرف آنها چنین نوشته شده: ولا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون، و بر طرف دیگر آنها نوشته شده بود: وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون. ۲۳۳

و بنا به نقل ابن نما، شمربن ذی الجوشن در میان بار ابی عبدالله علیه السلام مقداری طلا یافت. وی بخشی از این طلا را به دخترش داد، و او نیز به یک زرگر سپرد تا برایش زیوری بسازد. اما هنگامی که زرگر آن را داخل آتش نهاد تبدیل به مس شد! ۲۳۴

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

### **د. سرانجام ورس و زعفران غارتی**

روایات متعددی حکایت از آن دارد که زعفران، ورس یا وسایل زینتی و خوشبوکننده به غارت رفته از حرم حسینی علیه السلام تبدیل به خاکستر و خون شد و کسانی که آنها را مورد استفاده قرار دادند یا مبتلا به برص (پیسی) شدند یا گرفتار سوزش ناشی از حرارت آن گشتند! بنا به نقل فردی موسوم به ابن حاشر، یکی از حاضران در نبرد با ابی عبدالله علیه السلام، یک شتر و مقداری زعفران به غنیمت برد. اما هر چه زعفران را می کوبید آتش از آن فوران می کرد! و چون، همسرش آن زعفران را بر دستانش مالید گرفتار برص شد! ۲۳۵

گیاه ورس به غارت رفته از حرم حسینی علیه السلام نیز بنابر روایات، به خاکستر تبدیل گشت. ۲۳۶

## ۹. عقوبت‌های عجیب دنیوی برای جنایت کاران کربلا

روایات فراوانی در منابع شیعی و سنی حاکی از ابتلای جنایت کاران حاضر در کربلا به عقوبت‌های عجیبی پس از شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام است. فراوانی این روایات و اتقان سند تعدادی از آنها از سویی، و انطباق مضامین آنها با سنن الهی (برگرفته از آیات و روایات) از سوی دیگر، در مجموع، این گونه رخدادها را پذیرفتنی می‌سازد، هرچند تعداد محدودی از آنها دارای ضعف سند یا غرابت متن هستند که از نقل آنها پرهیز می‌کنیم. در ادامه، ضمن رعایت اختصار، تلاش می‌شود گزارش نسبتاً کاملی از این نوع عقوبت‌ها به صورت دسته‌بندی شده ارائه شود.

### الف. ابتلا به بیماری‌های عجیب و نقص عضو و تغییر چهره

از برخی روایات معتبر چنین بر می‌آید که تمامی آنان که با یزید، در قتل یا در جنگ با امام حسین علیه السلام همکاری کردند به بیماری‌هایی همچون جنون، جذام، برص (پسی) و... مبتلا شدند. ۲۳۷ به عنوان نمونه، جابر بن زید ازدی غارتگر عمائم حضرت به محض بر سر نهادن آن، گرفتار جنون شد! ۲۳۸ و پیش‌تر گذشت که استفاده‌کنندگان از ورس و زعفران غارتی از حرم حسینی علیه السلام به برص دچار گشتند! غارت گر لباس حضرت نیز با پوشیدن آن گرفتار برص شد و چهره‌اش متغیر گشته و موهایش ریخت! ۲۳۹

و از دستان اُجربن کعب نیز پس از غارت لباس حضرت، در زمستان‌ها خونابه می‌ریخت و هنگام تابستان، خشک می‌شدند همچو چوب! ۲۴۰

## خبری تحلیلی ادیان نیوز

نیز برخی از کسانی که در جریان منع آب از حرم حسینی علیه السلام نقش مستقیم داشتند یا زبان به شماتت گشوده بودند با نفرین امام علیه السلام گرفتار مرض استسقاء (تشنگی) شدند. به عنوان نمونه، در روز عاشورا، مردی از سپاه عمر سعد خطاب به امام علیه السلام گفت: «ای حسین! حتی قطره‌ای از آب فرات نخواهی چشید تا بمیری یا به حکم امیر درآیی!» و امام علیه السلام در حقیقت چنین نفرین فرمود: «خدایا، او را از عطش بمیران و هرگز او را نیامرز». از این رو، وی هر چه آب می‌نوشید، سیراب نمی‌گشت و می‌گفت: واعطشاه! تا اینکه به همین وضع هلاک شد. ۲۴۱ دربارهٔ مردی از قبیلهٔ اُبان بن دارم نیز نقل شده که تیری به فک مبارک امام علیه السلام زد و امام علیه السلام خون‌ها را به آسمان می‌پاشید و می‌فرمود: «این گونه». ۲۴۲ این مرد با نفرین حضرت، مبتلا به مرضی شد که بر اثر آن، در شکمش احساس حرارت شدید و در پشتش، احساس سرمای شدید می‌کرد! و در مقابلش یخ و پشت سرش آتش می‌نهادند! و از شدت عطش، کاسه‌های بزرگ پر از آب می‌کشید، ولی سیراب نمی‌شد و بدین وضع بود تا شکمش پاره شد! ۲۴۳

برخی نیز گرفتار قطع یا نقص عضو شدند. مثلاً درباره فردی که خبر شهادت امام علیه السلام را به عنوان بشارت برای مردم آورد، نقل شده که پس از مدتی کوتاه و نابینا گشت و دست او را گرفته، این سو و آن سو می بردند. ۲۴۴ روایت عبدالله بن رباح قاضی - که در مباحث آینده نقل خواهیم کرد- نیز از کوری یکی دیگر از قاتلان امام حسین علیه السلام حکایت دارد. سنان بن انس (قاتل امام حسین علیه السلام) نیز گرفتار جنون و لالی شد. وی پس از آنکه - با افتخار- در برابر حجاج خود را قاتل حسین علیه السلام معرفی کرد و حجاج نیز این کار را «امتحانی نیکو» قلمداد کرد، به خانه اش رفت و گرفتار جنون و لالی شد. همچنین، او هرچه می خورد، در همان جا دفع می کرد! ۲۴۵

بعضی دیگر از جنایت پیشگان حاضر در صحنه عاشورا - علاوه بر روسیاهی باطنی- به روسیاهی ظاهری نیز دچار شدند. به عنوان نمونه، درباره یکی از افراد قبیله بنی دارم نقل شده که وی با وجود آنکه فردی سفیدرو و زیبا بود، پس از حادثه عاشورا، او را زشت و سیهرو یافتند، به گونه ای که شباهت اندکی با چهره قبلی اش داشت! و چون از وی سبب پرسیدند، گفت: «من مردی از اصحاب حسین علیه السلام را کشتم که سفیدرو بود و میان دو چشمش اثرسجده دیده می شد. او هر شب به خوابم می آید و مرا کشان کشان به سوی دوزخ می برد!» در ادامه روایت آمده، که خانواده این فرد نیز شبها شاهد خواب ناآرام او بوده و از فریادهای آمیخته با ترس و وحشتش در اذیت بودند! به گفته ناقل این قضیه، وی سر آن شهید را بر گردن اسبش آویخته بود به گونه ای که هنگام حرکت اسب، به زانوهای حیوان برخورد می کرد! ۲۴۶ ابن عطیه نیز نقل کرده که: «در زمان نوجوانی، مردی را در راه می دیدیم که بدنش سفید و چهره اش سیاه بود و مردم می گفتند: وی بر حسین علیه السلام خروج کرده است!» ۲۴۷

## ب. آتش دنیوی و رؤیای آشفته

گونه ای دیگر از عقوبت های دنیوی جنایت کاران صحنه عاشورا، این بود که خداوند پیش از گرفتاری آنان به عذاب آتش اخروی، از عذاب آتش دنیا به آنان چشاند. به عنوان مثال، در برخی منابع روایی و تاریخی، از دربان ابن زیاد چنین نقل شده که گفت: «پس از قتل حسین علیه السلام به دنبال ابن زیاد وارد قصر شدم، ناگاه آتشی در برابر چهره اش شعله گرفت و او با آستین، صورتش را پوشاند. سپس از من پرسید: دیدی؟ گفتم: آری. گفت: آنچه را دیدی، مکتوم بدار!» ۲۴۸. گفتنی است، هرچند، راوی این ماجرا، دربان ابن زیاد است و از این رو، وثاقت رجالی ندارد، اما با توجه به اینکه نقل چنین حادثه ای توسط یکی از عوامل دشمن، فاقد انگیزه جعل و کذب است، و نیز با توجه به تأیید مضمون کلی روایت به وسیله دیگر روایات، پذیرش این روایت امکان پذیر است.

نمونه جالب دیگر را شیخ مفید در امالی، طی روایتی مسند از محمد بن سلیمان و او نیز از عمویش نقل کرده است. متن این خبر چنین است:

در زمان حجاج بن یوسف، گروهی از ما، مخفیانه از کوفه خارج شده و به کربلا رفتیم. از آنجا که محل سکونایی نداشتیم، اتاقکی گلین در کنار فرات بنا کردیم و در آن سُنکا گزیدیم. در این حین، مرد غربی آمد و گفت: فردی رهگذرم و می‌خواهم امشب مرا در این اتاقک جای دهید. ما نیز چنین کردیم. وقتی خورشید غروب کرد چراغی را که با نفت می‌سوخت روشن کردیم و نشستیم و دربارهٔ حسین علیه‌السلام و مصیبت او و دربارهٔ قاتلان مشغول صحبت شدیم. و سخن به اینجا رسید که هر یک از قاتلان او را خداوند به یک بلیه و بیماری در جسمش مبتلا ساخته است! در این هنگام آن مرد گفت: من نیز جزء قاتلان حسین علیه‌السلام بودم و به خدا قسم، تا کنون هیچ بدی و بیماری متوجه من نشده است! بنابراین، سخن شما دروغ است! ما سکوت کرده و دیگر چیزی نگفتیم.

در این هنگام، شعلهٔ چراغ ضعیف شد و آن مرد برخاست تا فتیلهٔ آن را با دستش اصلاح کند. ناگاه آتش، کف دستش را فرا گرفت. او برخاست و دوان دوان خود را درون آب فرات انداخت. اما آتش سطح آب را احاطه کرد و او دائماً سرش را داخل آب می‌کرد تا از آتش روی آب مصون بماند و چون سر بر می‌آورد سرش می‌سوخت و مجبور بود دوباره سر در آب کند. و این وضع آنقدر تکرار شد تا به هلاکت رسید! ۲۴۹

مرتکبان سنگدل جنایات کربلا بر اثر جنایات فجیعی که مرتکب شدند به جز عقوبت‌هایی که گفته شد و خواهد آمد، در عالم خواب و استراحت نیز گرفتار کابوس‌های وحشتناکی می‌شدند که به منزلهٔ هشدار و نسبت به وضعیت دهشتناک آنان پس از مرگ بود! پیش‌تر، نمونه‌ای عبرت‌انگیز - در بحث تغییر چهرهٔ ظاهری - نقل شد. از دیگر نمونه‌ها، روایت عبدالله بن رباح قاضی است. هنگامی که وی، سبب کوری فردی نابینا را از او پرسید، وی چنین پاسخ داد:

من دهمین نفری بودم که در قتل حسین علیه‌السلام سهیم شدم، ولی شخصاً نیزه و شمشیر و تیری به او نردم. پس از قتل حسین به خانه رفتم و پس از نماز عشا خوابیدم. در عالم رؤیا دیدم کسی نزد آمد و گفت: نزد رسول الله بیا! گفتم: مرا با رسول الله چه کار؟! ولی او گریبانم را گرفت و به صحرا برد که رسول الله صلی الله علیه و آله در نقطه‌ای از آن نشسته و آستین‌ها را بالا زده و نیزه‌ای در دست داشت و فرشته‌ای نیز در مقابلش ایستاده و شمشیری از آتش در دست او بود. او تمامی نه نفر یاران مرا با ضربتی از آتش کشت. با دیدن این صحنه، من در برابر رسول الله زانو زدم و سلام کردم. حضرت پاسخی نداد و پس از مکثی طویل فرمود: ای دشمن خدا، حرمت‌ها را هتک کردی، و عترتم را کشتی و حق مرا پاس نداشتی و کردی و کردی! عرض کردم: یا رسول الله! من شمشیر و نیزه و تیری نردم. فرمود: ولی سیاهی لشکر بودی، نزدیک بیا. و چون نزدیک رفتم، حضرت از طشت پر خونی که در برابرش بود و فرمود: خون حسین است، بر چشمانم مالید. ناگاه از خواب پریدم و خود را نابینا یافتیم! ۲۵۰

## ج. تسلط حیوانات

از آنجا که تمامی نظام هستی - از جمله حیوانات - به عنوان جنود و سپاهیان باری تعالی، تحت فرمان اویند، لذا برخی از جنایت‌کاران کربلا به وسیلهٔ حیوانات مجازات شدند که در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم. به عنوان مثال، تعدادی از

منابع روایی و تاریخی شیعی و سنی، به نقل از عماره بن عمیر تمیمی جریان عجیبی را در ارتباط با سر ابن زیاد، پس از انتقام مختار گزارش کرده‌اند. نقل او چنین است:

هنگامی که (پس از انتقام‌گیری مختار) سر ابن زیاد و یارانش را به مسجد کوفه آوردند، ناگاه مردم به یکدیگر گفتند: آمد، آمد! و در همان حال، ماری از میان تمامی سرها عبور کرد و نزد سر ابن زیاد رفت و از یک سوراخ بینی او داخل و از سوراخ دیگر خارج شد! و این وضعیت دو یا سه بار تکرار گشت! ۲۵۱

در نقل شیخ طوسی از این ماجرا می‌خوانیم که مار سفیدی از میان تمامی سرها عبور کرد تا به سر ابن زیاد رسید و داخل بینی او شده از گوش او خارج شد و از گوشش داخل شد و از دهانش خارج گشت! در ادامه این نقل آمده که مختار سر ابن زیاد و بعضی دیگر از قتلۀ امام حسین علیه‌السلام را به مکه نزد محمد بن حنفیه فرستاد و سرانجام به دست ابن زبیر رسید. ابن زبیر نیز آن را بر چوبی نصب کرد اما باد آن را انداخت. در این هنگام، ماری از پشت پرده بیرون آمد بینی آن سر را بر دندان گزید. دوباره سر را بر آن چوب نصب کردند اما صحنه قبل تکرار شد و باد آن را انداخت و آن مار مجدداً بینی او را گرفت. و این صحنه تا سه بار تکرار گشت. و سرانجام ابن زبیر فرمان داد سر را در بعضی از دره‌های مکه بیندازند! ۲۵۲

در نمونه‌ای دیگر می‌خوانیم، ۲۵۳ یکی از حاضران در کربلا به نام «عبدالله بن حویزه» ۲۵۴ در روز عاشورا خطاب به امام علیه‌السلام گفت: «ای حسین! تو را بشارت باد که شتافتی به سوی آتش در دنیا، پیش از آخرت!» و امام علیه‌السلام در پاسخش فرمود: «مرا پروردگاری است رحیم و شفاعتی از نبی مَطَاع. خدایا! اگر دروغ می‌گوید او را به آتش بیفکن». ۲۵۵ و او غضبناک بر امام حمله‌ور شد که اسبش وی را به زمین زد و پایش در رکاب گیر کرد، و اسب می‌دوید و او را به سنگ‌ها و درختان می‌کوفت تا به هلاکت رسید! ۲۵۶ و بنابر نقلی دیگر، حضرت درباره او اینچنین نفرین کرد: «خدایا، به آتشش کشان و حرارت آتش را در دنیا، پیش از ورودش به آخرت، به او بچشان». ۲۵۷ از این‌رو، اسبش او را به خندقی پر از آتش افکند و امام علیه‌السلام با دیدن این صحنه، سجده شکر به جای آورد. ۲۵۸

درباره محمد بن اشعث - که از سران جنایت‌کار حاضر در کربلا، و در خباثت، همچون پدرش بود- نیز نقل شده که وقتی امام حسین علیه‌السلام چنین دعا کرد: «خدایا، ما اهل بیت پیامبرت و از ذریه و نزدیکان او هستیم، پس نابود کن آن را که نسبت به ما ظلم و حقد را غصب کرد؛ که تو شنوای نزدیک هستی». ۲۵۹ در این هنگام محمد بن اشعث به حضرت چنین گفت: «مگر چه قرابتی است بین تو و محمد؟! امام علیه‌السلام در پاسخش، این آیه را قرائت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ (آل عمران: ۳۳-۳۴) همانا خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندان که برخی شان از برخی دیگرند و خدا شنوا و

دانا است» و در ادامه، در حق او چنین نفرین فرمود: «خدایا، در این روز، ذلتی نزدیک و شتابان به او بچشان». لذا هنگامی که ابن‌اشعث مشغول قضای حاجت بود، عقربی، عضو مردانگی او را گزید! و در حالی که فریاد استغاثه‌اش بلند بود، در کثافات خود می‌غلتید!» ۲۶۰

#### د. کوتاهی عمر و ناکامی در دنیا

گزارش‌های متعددی گویای آن است که قاتلان یا شرکت‌کنندگان در قتل امام حسین علیه‌السلام، پس از این جنایت فجیع و دردناک بهره‌زیادی از عمر خود نبردند و در بهره‌مندی از آنچه که به خاطر نیل بدان، اقدام به این جنایت کرده بودند نیز ناکام ماندند. درباره‌ی عمر بن‌سعد نقل شده: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام به وی فرمود: «مایه‌ی روشنی دیده‌ام آنکه تو پس از من، از گندم عراق، زیاد نخواهی خورد»، ۲۶۱ وی با کمال جسارت و با حال استهزا پاسخ داد: «ما را جو کافی است!» ۲۶۲ اما حوادث پس از عاشورا، درستی سخن امام علیه‌السلام را روشن ساخت؛ زیرا عمر بن‌سعد، پیش از آنکه به آرزوی دیرینش - یعنی حکومت ری - دست یابد، پس از سالیانی اندک، به دستور مختار ثقفی، به هلاکت رسید! ۲۶۳

درباره‌ی یزید بن معاویه نیز نقل شده که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام عمری بسیار کوتاه داشت و یک شب که با مستی به بستر رفت، دیگر از جای برنخاست و صبح‌گاهان او را در حالی که چهره‌اش چون قیر سیاه شده بود، در بسترش، مرده یافتند! ۲۶۴

غارگران حرم حسینی نیز که به طمع دست‌یابی به بهره‌ی ناچیز دنیوی، به غارت اشیاء و اثاثیه‌ی اهل بیت امام پرداخته بودند بدون آنکه امکان بهره‌مندی از اموال غارتی را داشته باشند، سرانجام به فقر دچار شدند. به عنوان نمونه، درباره‌ی مالک بن‌یسر کنده‌ی نقل شده که وی روز عاشورا، پس از غلبه‌ی ضعف بر امام، شمشیری بر سر حضرت فرود آورد و بر اثر این ضربه، کلاه حضرت از سرش افتاد، او آن را برداشت و پس از آن، مشمول نفرین حضرت گشت که: «خوردن و آشامیدن بر تو گوارا مباد و خداوند با ظالمان محشورت گرداند». وی، کلاه غنیمتی را نزد همسرش برد، ولی با اعتراض او مواجه گشت که: «آیا لباس غارت‌شده‌ی حسین علیه‌السلام را به خانه‌ام می‌آوری؟ زین پس من و تو در یک جا جمع نخواهیم شد». و آن مرد پس از آن تا آخر عمر همواره در حال فقر و نداری به سر می‌برد! ۲۶۵

#### ۱۰. رخدادهای مربوط به جسم و تربت مطهر امام حسین علیه‌السلام

در تعدادی از روایات، رخدادهای شگفت و خارق‌العاده‌ای درباره‌ی جسم مطهر امام حسین علیه‌السلام و نیز تربت و مزار آن حضرت به چشم می‌خورد. کلیت این روایات پذیرفتنی است زیرا به طرق مختلفی نقل شده‌اند، در بیانات معصومان علیهم‌السلام نیز ریشه دارند، و همچنین در طول ادوار مختلف تاریخی تاکنون، شواهد صدق آنها بروز کرده

است. هرچند در میان این روایات، برخی روایات غیرمعتبر نیز به چشم می‌خورد که با وجود احتمال درستی، به علت ضعف سند، و یا دشواری پذیرش متن، از نقل آنها می‌پرهیزیم.

### الف. قرائت قرآن و سخن گفتن سر مطهر امام‌علیه‌السلام

چندین گزارش، گویای آن است که از سر مطهر امام حسین‌علیه‌السلام در مسیر کوفه و شام و نیز در این دو شهر، صدای قرائت آیاتی از قرآن شنیده شده است. گزارش زید بن ارقم - که گویای قرائت قرآن توسط سر مطهر در کوچه‌های کوفه است- را نقل می‌کنیم:

آن گاه که سر حسین‌علیه‌السلام را به دستور عبیدالله بن زیاد در کوچه‌های کوفه می‌گرداندند، من در اتاقم - که مشرف به کوچه بود- نشسته بودم و ناگاه سر او را در حال عبور دادن دیدم که این آیه را قرائت می‌کرد: *أَمْ حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۚ ۲۶۶*. با دیدن این صحنه مو بر بدنم راست شد و عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به خدا سوگند سر تو عجیب‌تر و عجیب‌تر است. ۲۶۷

نیز بنا به نقل ابن شهر آشوب، آن گاه که سر مطهر را در کوفه نزد خزانه‌داران آویخته بودند، شروع به قرائت سوره کهف کرد تا به این آیه رسید: *إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى فَلَئِمَّ يَزْهَمُ إِلَّا ضَلَالًا* و بر اساس نقل دیگر او، هنگامی که سر حضرت را بر درختی آویختند این آیه را از سر مطهر شنیدند که: *وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ۚ ۲۶۸* قرائت قرآن توسط سر مطهر امام‌علیه‌السلام - همچون کوفه- در شام نیز تکرار گشت و همان آیات از سوره کهف، توسط سر مطهر قرائت شد. ۲۶۹

در جریان دیر راهب نیز آمده که راهب نصرانی پس از مشاهده نور ساطع از سر مطهر، با دادن چند درهم به مأموران، سر مطهر را گرفت و به داخل صومعه برد. و ناگاه صدایی شنید که می‌گفت: «خوشا به حال تو و به حال کسی که حرمت صاحب این سر را بشناسد». و او با شنیدن این صدا، دست به دعا برداشت و از خداوند خواست که آن سر با او سخن بگوید. که ناگاه سر مطهر آغاز به سخن کرد و فرمود: ای راهب، چه می‌خواهی؟ راهب گفت: تو کیستی؟ سر مطهر پاسخ داد: «من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرایم. من مقتول در کربلا و مظلوم و عطشانم». سپس ساکت شد. راهب صورت بر صورت امام‌علیه‌السلام نهاده و ملتسانه می‌گفت: صورتی را بر نمی‌دارم مگر آنکه بگویی شفیع من در قیامت خواهی بود. سر مطهر به سخن آمد که: به دین جدم درآی. و راهب بلافاصله شهادتین را بر زبان جاری کرد و مشمول وعده شفاعت امام‌علیه‌السلام شد. ۲۷۰

گفتنی است در بعضی از منابع شیعی و سنی، پیش از نقل جریان دیر راهب، و در بعضی منابع بدون اشاره به این جریان، گزارشی به چشم می‌خورد که بر اساس آن، هنگامی که گروه حمل‌کننده سر مطهر امام‌علیه‌السلام به شام، به کنار دیر مزبور رسیدند و سر را روی نيزه‌ای نهاده و خود به نوشیدن شراب و خوردن غذا مشغول شدند، ناگاه دستی خونین ظاهر شد که قلمی آهنین در آن قرار داشت و با خون بر روی دیوار دیر نوشت:

أترجو امه قتلت حسيناً

شفاعة جده يوم الحساب ۲۷۱

و چون خواستند دست را بگیرند غائب شد و هنگامی که به غذا خوردن نشستند دوباره ظاهر شد و نوشت:

فلا والله ليس لهم شفيع

وهم يوم القيامة في العذاب ۲۷۲

و برخاستند تا آن را بگیرند، غائب شد و چون بر سر غذا نشستند ظاهر شد و نوشت:

وقد قتلوا الحسين بحكم جور

وخالف حكمهم حكم الكتاب ۲۷۳

و سپس غائب شد. ۲۷۴

### ب. انتشار نور و بوی خوش از سر مطهر

در روایت مربوط به دیر راهب دیدیم که توجه راهب نصرانی پس از مشاهده نور ساطع از سر مطهر، به آن جلب شد. ۲۷۵ به جز این، چندین روایت در دست است که از انتشار نور از سر مطهر و دهان مبارک امام‌علیه‌السلام حکایت دارند. در روایت طبری، از همسر خولی بن یزید اصبحی چنین نقل شده که وقتی خولی، سر مطهر امام‌علیه‌السلام را زیر دیگری قرار داد، همسرش ستونی از نور که از سر مطهر به سوی آسمان ساطع بود و پرندگان سفیدی در حال پرواز دور سر مطهر را مشاهده می‌کند. ۲۷۶

در گزارش سهل بن سعد شهرزوری از چگونگی ورود اسرا به دمشق نیز می‌خوانیم که نوری از دهان مبارک امام‌علیه‌السلام ساطع بوده است. وی به قصد زیارت بیت المقدس، از شهر زور ۲۷۷ حرکت کرده و در مسیر خود، به دمشق می‌رسد و شهر را در وضع غیرعادی مشاهده می‌کند؛ دروازه‌ها گشوده، دکان‌ها بسته، مرکب‌ها زین شده، پرچم‌ها برافراشته و مردم کوچه و بازار زینت کرده و شاد! و چون سبب این وضع را جویا می‌شود پاسخ می‌شنود که برای امیر، فتحی عظیم رخ داده و بر فردی خارجی که در عراق خروج کرده بود فائق آمده و او را کشته است! و هنگامی که نام

آن فرد خروج کرده را می‌پرسد متوجه می‌شود کسی جز امام حسین علیه‌السلام نبوده است. ادامه ماجرا از زبان وی چنین است:

به آنان گفتم: همان حسین فرزند فاطمه دختر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله؟! چنین گفتند: آری! گفتم: انا لله و انا الیه راجعون، و این شادی و زینت به خاطر قتل فرزند پیامبرتان است؟ آیا قتل او بس نبود که وی را خارجی نیز نامیدید؟! گفتند: چنین مگو که هیچکس در اینجا حسین را به نیکی یاد نکند جز آن که سرش را از دست دهد! پس سکوت کردم و در حزن و اشک بودم که ناگاه از دروازه بزرگ شهر، عده‌ای پرچم به دست و طبل کوبان وارد شدند و گفتند: سر، از این در داخل می‌شود. و هرچه سر را نزدیک‌تر می‌کردند شادی‌شان بیشتر می‌شد! تا اینکه سر مطهر امام را داخل کردند و می‌دیدم که از دهان مبارکش، همچون نور رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، نوری ساطع بود. به صورت زدم و گریبان چاک کردم و صدای گریه‌ام بلند شد و کسانی که صدایم را می‌شنیدند نیز گریستند....

در ادامه این گزارش، وی به قرائت آیه *ولا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون* توسط سر مطهر امام علیه‌السلام اشاره می‌کند و اینکه رفیق نصرانی‌اش نیز این صحنه را مشاهده کرده است. ۲۷۸

انتشار بوی خوش از سر مطهر نیز دیگر امور شگفت‌مربوط به جسم امام علیه‌السلام است. بنا بر نقل ابن شهر آشوب، پس از آنکه سر مطهر امام علیه‌السلام را وارد مجلس یزید کردند بوی خوش عجیبی از آن استشمام می‌شد به گونه‌ای که بر بوی عطرها موجود غلبه داشت! ۲۷۹

### **ج. بوی خوش و خاصیت شفادهی تربت امام حسین علیه‌السلام**

برخی افراد، از تربت امام حسین علیه‌السلام بویی خوش استشمام می‌کردند. برای نمونه، بنا به نقل ابن کثیر، پس از آنکه بر قبر امام حسین علیه‌السلام آب بسته شد تا مکان آن نامعلوم گردد و پس از چهل روز آب فرونشست، عربی بیابان‌نشین به قتلگاه کربلا رفت و در حالی که خاک‌ها را مشت‌مشت برداشته و می‌بویید، به کنار قبر حضرت رسید و گریست و گفت: پدر و مادرم به فدایت، چه قدر خوش‌بویی و چه قدر خوش‌بوست تربت تو! و این شعر را ترنم کرد:

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

أرادوا ليخفوا قبره عن عداو

فطیب تراب القبر دل علی القبر ۲۸۰

خاصیت شفادهی تربت قبر امام حسین علیه‌السلام یکی از ویژگی‌ها، خصائص و امتیازاتی است که خداوند متعال به آن حضرت عطا فرموده و روایات فراوان و معتبری نیز بر آن دلالت دارد. ۲۸۱ و در طول تاریخ تا عصر حاضر، افراد زیادی به وسیله تربت قبر آن حضرت شفا یافته‌اند. در اینجا تنها به عنوان نمونه، دو روایت را که شیخ طوسی در کتاب امالی نقل کرده بازگو می‌کنیم:

در روایت اول، شیخ طوسی از فردی به نام سالم چنین نقل می‌کند:

مبتلا به درد شکم شده بودم و معالجات اثربخش نبود به گونه‌ای که بر جانم ترسیدم. روزی به زنی از اهالی کوفه - به نام سلمه - برخوردم، گفت: ای سالم! می‌خواهی تو را به اذن الهی درمان کنم؟ گفتم: بالاترین خواسته‌ام همین است. او نیز قحح آبی به من داد، نوشیدم و درد ساکت شد. پس از گذشت چند ماه، از آن زن پرسیدم مرا با چه چیزی علاج کردی؟ پاسخ داد: به دانه‌ای از این تسبیح! پرسیدم: این تسبیح از چیست؟ گفت: از خاک قبر حسین علیه‌السلام. گفتم: ای راضیه! مرا با این مداوا کردی؟! با این سخن، او غضبناک برخاست و خارج شد و درد شکم نیز بدتر از قبل، بر من مستولی گشت! ۲۸۲

شیخ طوسی در روایتی دیگر، جریان شایان توجهی را از یک طبیب نصرانی دربارهٔ آثار بی‌حرمتی نسبت به تربت قبر امام حسین علیه‌السلام نقل کرده که گویای جایگاه این تربت نزد شیعیان عصر ائمه‌علیهم‌السلام است به گونه‌ای که موجب بغض و عناد فزون‌تر دشمنان تشیع می‌شده است. ابوموسی بن‌العزیز - راوی این روایت - حکایت این طبیب نصرانی را چنین نقل می‌کند:

در گذرگاه ابواحمد به یوحنا بن سراقیون طبیب برخوردم. وی پرسید: تو را به حق پیامبرت و دینت سوگند، بگو: کسی که گروهی از شما قبرش را در ناحیهٔ قصر ابن‌هبیره زیارت می‌کنند کیست؟ آیا از اصحاب پیامبران است؟ گفتم: او فرزند دختر پیامبرمان است. اما علت پرسش تو چیست؟ گفت: من جریان جالبی در این باره دارم. گفتم: برایم بازگو کن. گفت: شبی سابور کبیر - خادم هارون الرشید - مرا احضار کرد و به همراه او نزد موسی بن‌عیسی هاشمی رفتیم. دیدیم گویا عقلش زائل شده و بر بالشی تکیه کرده و در برابرش طشتی که امعا و احشائش در آن ریخته بود، قرار داشت. سابور از خادم موسی بن‌عیسی سبب این وضعیت را جویا شد. او گفت: ساعتی پیش موسی بن‌عیسی با ندیمان‌ش در سلامت کامل نشسته بود و نام حسین بن‌علی علیه‌السلام به میان آمد. موسی گفت: روافض در حق او غلو می‌کنند به گونه‌ای که تربتش را وسیلهٔ مداوا قرار می‌دهند. در این هنگام مردی از بنی‌هاشم گفت: من بیماری سختی داشتم و هر معالجه‌ای که کردم سودی نبخشید تا اینکه با تربت حسین علیه‌السلام شفا گرفتم و بیماری‌ام برطرف شد. موسی پرسید: آیا از آن تربت، چیزی نزد تو مانده؟ گفت: آری، و قطعه‌ای از تربت به او داد. موسی بن‌عیسی نیز تربت را گرفت و از روی تمسخر و استهزاء، در نشیمن‌گاهش داخل کرد! که ناگاه فریادش بلند شد که: آتش آتش، طشت طشت! و چون برایش طشت آوردیم، آنچه در درون داشت در آن ریخته شد! و ندیمان متفرق شدند و مجلس ماتم‌سرا شد.

طبیب نصرانی سپس چنین ادامه داد: «با مشاهدهٔ این وضع، سابور به من گفت: آیا می‌توانی علاجتش کنی؟ گفتم: جز عیسی علیه‌السلام که مردگان را زنده می‌کرد از کسی کاری ساخته نیست. سابور نیز ضمن تصدیق سخنم، گفت: اما در این خانه بمان تا وضع او روشن‌تر شود. من نیز آن شب را آنجا ماندم و موسی بن‌عیسی تا سحر بر همان حالت بود و سرانجام هلاک شد». ۲۸۳

## نتیجه

از خلال بررسی روایات مربوط به رخداد‌های شگفت پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام به چند نکته می‌توان دست یافت:

۱. شهادت امام حسین علیه‌السلام حادثه‌ای است منحصر به فرد و استثنایی، که آثار و لوازم مترتب بر آن در تاریخ بشریت بی نظیر است.

۲. ارتباط اجزای هستی با یکدیگر و ذی شعور بودن آنها، علاوه بر آنکه از خلال ادله قرآنی، روایی و عقلی به دست می‌آید، از بررسی روایات یادشده نیز به خوبی قابل استنباط است.

۳. عقوبت جنایت و ظلم، به جز آثار شوم اخروی، در دنیا نیز گریبان گیر انسان‌های ستم کار می‌شود. و چنانکه قرآن هشدار داده، ۲۸۴ زندگی تلخی برای آنان رقم می‌خورد.

۴. جایگاه خاص امام حسین علیه‌السلام و قیام جاوید او، به مزار و تربتش نیز اثری خاص و معجزه آسا بخشیده، به گونه‌ای که انسان‌ها در طول ادوار تاریخ، شاهد بروز خوارق عادات و آثار شگفت از این مکان بوده‌اند.

# خبری تحلیلی ادیان‌نیوز

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

## منابع

- ابن ابي الدنيا، ابي بكر عبدالله بن محمد، كتاب الهواتف، به تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، مؤسسه الكتب الثقافيه، ١٤١٣.
- ابن ابي حاتم رازى، عبدالرحمان، الجرح والتعديل، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٧١.
- ابن ابي شيبه، حافظ بن عبدالله بن محمد، المصنف، به تحقيق سعيد لحام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ق.
- ابن بطريق، يحيى بن حسن، العمدة، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٧ق.
- ابن حاتم عاملى، جمال الدين يوسف، الدر النظيم، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، بى تا.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد، الثقات، مجلس دائرة المعارف العثمانيه، حيدرآباد، ١٣٩٣ق.
- ابن حجر هيتمى، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٩٩٧م.
- ابن سعد، محمد بن منيع، ترجمه الامام الحسين عليه السلام من القسم غير المطبوع من كتاب الطبقات الكبرى، به تحقيق سيد عبدالعزیز طباطبايى، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٥ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على سرورى مازندراني، مناقب آل ابي طالب، نجف، حيدريره، ١٣٧٦ق.
- ابن طاووس حلى، على بن موسى، اللهوف فى قتلى الطفوف، قم، انوار الهدى، ١٤١٧ق.
- ابن طاووس، على بن موسى، اللهوف فى قتلى الطفوف، قم، انوار الهدى، ١٤١٧ق.
- ابن عبدالوهاب، حسين، عيون المعجزات، حيدريره، نجف، ١٣٦٩ق.
- ابن عساكر، على بن حسن شافعى، تاريخ مدينه دمشق، به تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ق.
- ابن عساكر، على بن حسن شافعى، تاريخ مدينه دمشق، ترجمه الامام الحسين عليه السلام، به تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، ١٤١٤ق.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، به تحقيق شيخ جواد قيومى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٧ق.
- ابن كثير، ابي الفداء اسماعيل، البدايه و النهايه، به تحقيق على شيرى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٨ق.
- ابن معين، يحيى، تاريخ ابن معين، به تحقيق عبدالله احمد حسن، بيروت، دارالقلم، بى تا.
- ابن نجار بغدادى، محب الدين، ذيل تاريخ بغداد، به تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٧ق.

- ابن نما، نجم الدين محمد بن جعفر، مثير الاحزان، نجف، حيدر يه، ١٣٦٩ ق.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه فى معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٥ ق.
- بخارى، اسماعيل بن ابراهيم، التاريخ الكبير، ديار بكر، المكتبة الاسلاميه، بى تا.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقيق سيد جلال الدين تهران، محدث، ١٣٧٠ ش.
- بياضى عاملى، على بن يونس، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، به تحقيق محمد باقر محمودى، بى جا، المكتبة المرتضويه، ١٣٨٤ ق.
- بيهقى، ابى بكر احمد بن حسين، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، بى تا.
- ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، به تحقيق عبدالرحمان محمد عثمان، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ ق.
- حسيني، عبدالله، معرفى و نقد منابع عاشورا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، ١٣٨٦ ش.
- خوارزمى، موفق بن احمد، مقتل الحسين عليه السلام، به تحقيق محمد سماوى، بى جا، انوار الهدى، ١٤٢٨ ق.
- دولابى، محمد بن احمد، الذرية الطاهرة النبويه، به تحقيق سعد مبارك حسن، كويت الدار السلفيه، ١٤٠٧ ق.
- ذهبى، شمس الدين، تاريخ الاسلام، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ ق.
- راوندى، قطب الدين، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤٠٩ ق.
- راوندى، قطب الدين، قصص الانبياء، به تحقيق غلامرضا عرفانين، بى جا، مؤسسه الهادى، ١٤١٨ ق.
- زرندى حنفى، جمال الدين محمد بن يوسف، نظم درر المسمطين، بى جا، بى نا، ١٣٧٧ ق.
- سيوطى، جلال الدين، تاريخ الخلفاء، به تحقيق محيى الدين عبدالحميد، قم، رضى، ١٤١١ ق.
- سيوطى، جلال الدين، تاريخ الخلفاء، قم، شريف رضى، ١٤١١ ق.
- شيخ طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، به تحقيق احمد قصير العاملى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٩ ق.
- شيخ مفيد، محمد بن محمد نعمان، اوائل المقالات، به تحقيق ابراهيم انصارى، بيروت، بى نا، ١٤١٤ ق.
- شيروانى، مولى حيدر على، مناقب اهل البيت عليه السلام، به تحقيق محمد حسن، بى جا، مطبعة المنشورات الاسلاميه، ١٤١٤ ق.

- صالحى شامى، محمدبن يوسف، سبل الهدى والرشاد، به تحقيق عادل احمد عبدال موجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤ق.

- صدوق، محمدبن على بن بابويه قمى، الامالى، قم، مؤسسه البعثه، ١٤١٧ق.

- صدوق، محمدبن على بن بابويه قمى، علل الشرايع، به تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، حيدرته، ١٣٨٥ق.

- صدوق، محمدبن على بن بابويه قمى، عيون اخبار الرضا عليه السلام، بيروت، اعلمى، ١٤٠٤ق.

- صدوق، محمدبن على بن بابويه قمى، كمال الدين و تمام النعمه، به تحقيق على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤٠٥ق.

- طباطبائى، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، قم، جامعه مدرسين بى تا.

- طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، به تحقيق حمدى عبدالمجيد سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٤ق.

- طبرى، امين الاسلام فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤١٧ق.

- طبرى، محب الدين احمد، ذخائر العقبى، مكتبة القدسى، قاهره، ١٣٥٦ق.

- طبرى، محمدبن جرير، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، قم، ١٤١٣ق.

- طبرى، محمدبن جرير بن يزيد، تاريخ الطبرى، بيروت، اعلمى، بى تا.

- طوسى، محمدبن حسن، الامالى، به تحقيق مؤسسه البعثه، دار الثقافه، قم، ١٤١٤ق.

- طوسى، محمدبن حسن، رجال الطوسى، به تحقيق جواد قيومى، قم، مؤسسه النشر اسلامى، ١٤١٥ق.

- قاضى نعمان تميمى مغربى، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليه السلام، به تحقيق سيد محمد حسينى جلالى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، بى تا.

- قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم، ينابيع الموده لذوى القربى، به تحقيق سيد على جمال اشرف الحسينى، بى جا، دار الاسوه، ١٤١٦ق.

- كلينى، محمدبن يعقوب، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، بى جا، دارالكتب الاسلاميه، چ سوم، ١٣٨٨ق.

- كوفى، محمدبن سليمان، مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام، به تحقيق محمد باقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، قم، ١٤١٢ق.

- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.

- مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، قم، ۱۳۷۵ ش.

- محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه‌السلام، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۸.

- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، به تحقیق مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.

- هیشمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.

- یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، بی‌تا.

- سیدمرتضی، علی بن طاهر، الامالی، به تحقیق سید محمد بدرالدین، قم، مکتبه آیة‌الله المرعشی، ۱۴۰۳ ق.

\* دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

دریافت: ۸۸/۹/۳۰ - پذیرش: ۸۸/۱۰/۱۵ jabbari38@yahoo.com

۱۴۵. بنگرید به: اصغر قائدان، مقاله «تأملی چند پیرامون گزارش حادثه کربلا در منابع مورخان اهل سنت»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر سوم، ص ۷۰-۷۲. نگارنده مقاله پس از ارائه فهرستی از حوادث خارق‌العاده که در منابع اهل سنت نقل شده، چنین می‌گوید: «نکته‌ای که در راستای ذکر این معجزات و خوارق، قابل توجه می‌باشد، این که جای بسی تعجب است که چگونه مورخان یاد شده که در ذکر حوادث قیام حسینی بعضاً از ثبت انگیزه‌های حقیقی قیام و به‌ویژه سخنان امام علیه‌السلام غافل شده‌اند برای ذکر این همه معجزات و غرایب که به هیچ روی با عقل و استدلال و سند قابل اثبات نیست، دقت به خرج داده و به طور مفصل به ثبت آن می‌پردازند. جای بسی تعجب است چگونه این مورخان که چندان هم قائل به مقام و قداست ویژه و فوق‌العاده برای امام حسین علیه‌السلام نبوده‌اند، به ذکر این معجزات در شأن آن حضرت و یارانش پرداخته‌اند، در حالی که مورخان شیعی و علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت چنین نکرده‌اند؟»

۱۴۶. سیدعبدالله حسینی، معرفی و نقد منابع عاشورا، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۱۴۷. اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه والنهایه، ج ۸، ص ۲۱۹.

۱۴۸. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۱، باب ۲۴، ح ۲.

۱۴۹. ابی‌بکر احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۳۳۷.

۱۵۰. سخن علامه مجلسی در این باره چنین است: رأیت فی کثیر من کتب الخاصه و العامه وقوع الکسوف و الخسوف فی یوم عاشوراء و لیلته (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۱۵۳).

١٥١. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ٣٥٦، ح ٢٩٣ / علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمّة، ج ٢، ص ٢٦٨ / شمس الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٥، ص ١٥-١٦.
١٥٢. علاوه بر منابع پیش گفته، بنگرید به: محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ٣، ص ٢١٣ / سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ٣، ص ١١٤ / جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ٢٠٧ / احمد بن محمد ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ج ٢، ص ٥٦٨.
١٥٣. محمد بن منیع ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ١ ص ١٤٢ / احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ٢، ص ٣١٣، ح ٣١ / محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ٣، ص ٢٠٨، ح ٧.
١٥٤. علی بن موسیٰ ابن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ٧٥.
١٥٥. ... انه لما قتل جدی الحسین صلوات الله علیه مطرت السماء دماً و تراباً احمر... (محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ٢، ص ٢٦٨).
١٥٦. محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، الامالی، ص ١٧٧-١٧٨.
١٥٧. همو، الامالی، ص ١٨٩-١٩٠ / همو، علل الشرایع، ج ١، ص ٢٢٨.
١٥٨. لما قتل الحسین بن علی علیه السلام أمطرت السماء تراباً أحمرّ (جعفر بن محمد جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ١٨٣).
١٥٩. وسقط التراب الاحمر (ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ٣٥٤، ح ٢٨٨).
١٦٠. محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، الامالی، ص ١٧٨ و ١٨٩.
١٦١. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ٣٣٠، ح ١٠٦.
١٦٢. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ٤٥ ص ٢١٥ ح ٣٨.
١٦٣. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ١٦٠، باب ٢٤، ح ٢.
١٦٤. قاضی نعمان تمیمی مغربی تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ٣، ص ١٦٦.
١٦٥. لما قتل الحسین احمرت السماء من اقطارها ثم لم نزل حتى تفتّرت و قطرت دماً (محمد بن احمد دولابی، الذریة الطاهرة النبویة، ص ١٣٥).
١٦٦. قاضی نعمان تمیمی مغربی تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ٣، ص ١٦٦.

فیه، التعلیقات ادیان نیوز

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۱۶۷. محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۲ / درباره بارش خون از آسمان، به جز منابع پیش گفته، بنگرید به: اسماعیل بن ابراهیم بخاری، تاریخ الكبير، ج ۴، ص ۱۲۹ ح ۲۲۰۲ / عبدالرحمان ابن ابی حاتم رازی، الجرح و التعديل، ج ۴، ص ۲۱۶ / ابوحاتم محمد ابن حبان، الثقات، ج ۴، ص ۳۲۹ / یحیی بن حسن ابن بطریق، العمدة، ص ۴۰۵ / ابن نما، مثير الاحزان، ص ۶۳ و قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۰.

۱۶۸. برای نمونه بنگرید به: حافظ بن عبدالله بن محمد ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۸، ص ۶۳۲، ح ۲۵۸ / طبری، دلائل الامامة، ص ۱۸۰ / طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲۸ / محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۳ / ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۴۵، ح ۲۲۰ / خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۸، ح ۳۳ / طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۴۷ / زرندی حنفی، نظم درر السمطین، ص ۲۱۵ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۱، ح ۳۴.

۱۶۹. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۲۸، باب ۱۷، ج ۲.

۱۷۰. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶ / علی بن یونس بیاضی عاملی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۷۹.

۱۷۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۵۸-۱۶۰.

۱۷۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۴.

۱۷۳. بنگرید به: طبری، دلائل الامامة، ص ۱۷۸ / محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۸ / ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۵۵ / ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۶۸.

۱۷۴. محمدبن علی بن بابویه صدوق قمی، الامالی، ص ۲۳۱.

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۱۷۵. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۱، باب ۲۴، ج ۲.

۱۷۶. ابن نما، مثير الاحزان، ص ۶۳ / اربلی، كشف الغمه، ج ۲، ص ۲۶۸ / ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۶.

۱۷۷. شیروانی، مناقب اهل البيت عليهم السلام، ص ۲۴۹.

۱۷۸. محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۲.

۱۷۹. قاضی نعمان تمیمی مغربی تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۶.

۱۸۰. وی را از اصحاب امیر مؤمنان علی علیه السلام بر شمرده اند؛ بنگرید به: رجال الطوسی، ص ۸۹.

۱۸۱. ابوحاتم محمد ابن حبان، الثقات، ج ۵، ص ۴۸۷.

۱۸۲. همان، ص ۴۸۷ / ابن سعد، ترجمه الامام الحسين عليه السلام من طبقات ابن سعد، ص ۹۰ / محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۲ / طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۴۵.

۱۸۳. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۳۳۰.

۱۸۴. زرندی حنفی، نظم درر السمطین، ص ۲۲۰.

۱۸۵. خوارزمی در مقتل الحسين ج ۲ ص ۱۱۱ ح ۴۴ این جریان را به صورت مسند و مفصل نقل کرده است؛ ابن شهر آشوب نیز در مناقب آل ابی طالب، ج ۱ ص ۱۰۵-۱۰۶ این خبر را به صورت خلاصه نقل کرده، و قطب الدین راوندی با اختصار و اندکی تغییر در الخرائج و الجرائح، ج ۱ ص ۱۴۶-۱۴۷ ح ۲۳۴ آن را نقل کرده است. همچنین علامه مجلسی به نقل از برخی کتب مناقب معتبر، این خبر را در بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳۳-۲۳۵، به تفصیل، و در ج ۱۹ ص ۷۵-۷۶ به صورت خلاصه آورده است.

۱۸۶. خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۳۵.

۱۸۷. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ترجمه الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۶۱ / طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۴۵.

۱۸۸. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۸۰.

۱۸۹. به عنوان نمونه بنگرید به: حافظ بن عبدالله بن محمد ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۶۳۳ / کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۳۲ / محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین عليه السلام، ج ۲، ص ۲۶ / سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۱ / خوارزمی، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۱ ص ۲۴۱ / ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ترجمه الامام الحسين عليه السلام، ج ۱۴، ص ۲۷۴ / قطب الدین راوندی، قصص الانبياء، ج ۳، ص ۱۱۴۴ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۲.

### جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۱۹۰. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، باب ۲۸، ص ۱۷۹-۱۸۸.

۱۹۱. همان، ص ۱۶۵، ۱۷۱ و ۱۸۹، باب های ۲۶، ۲۷ و ۲۹.

۱۹۲. همان، ص ۱۸۰، باب ۲۸، ج ۲.

۱۹۳. همان، ص ۱۶۷، باب ۲۶، ج ۸.

۱۹۴. همان، ص ۱۶۷، باب ۲۶، ج ۷.

۱۹۵. همان، ص ۱۶۵، باب ۲۶، ج ۱.

۱۹۶. قطب‌الدین راوندی، قصص الانبياء، ص ۲۲۲، ج ۲۹۲.
۱۹۷. محمدبن علی بن بابویه صدوق قمی، الامالی، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۱۹۸. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۵، باب ۲۶، ج ۳.
۱۹۹. محمدبن علی بن بابویه صدوق قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۸.
۲۰۰. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۵۳، باب ۲۳، ج ۱۵.
۲۰۱. محمدبن علی بن بابویه صدوق قمی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۸، ج ۳.
۲۰۲. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۷.
۲۰۳. محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۲۱۳.
۲۰۳. همان.
۲۰۳. ابن نما، مثير الاحزان، ص ۸۸.
۲۰۴. محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۲۲۹.
۱. بنگرید به: محمدبن حسن طوسی، التبیان، ج ۹، ص ۲۳۳ / طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۸ / علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ص ۱۴۱
۲۰۶. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۳۸۷.
۲۰۷. محمد بن نعمان مفید، اوائل المقالات، ص ۲۲۳ / سید مرتضی، الامالی، ج ۱، ص ۳۹ / محمدبن عیسی ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۵۷ / امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۰۹ / محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۸۱ و ج ۱۰۰، ص ۲۵.
۲۰۸. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۹، باب ۲۶، ج ۹.
۲۰۹. همان، ص ۱۷۸، باب ۲۷، ج ۱۹.
۲۱۰. جعفر بن محمد ابن قولویه، باب ۲۷ کامل الزیارات را با عنوان «بکاء الملائکة علی الحسین بن علی علیه السلام» و با نقل بیست روایت به این موضوع اختصاص داده است.
۲۱۱. انا ابن من بکت علیه ملائکة السماء (محمدبن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵).

۲۱۲. ابن نما، مثير الاحزان، ص ۹۱ / علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۷ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۸.
۲۱۳. محمد بن علی بن بابویه صدوق قمی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰ / مضمونی مشابه این روایت را در روایتی از امام صادق علیه السلام خطاب به کرام بن عبدالکریم نیز مشاهده می کنیم (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۹).
۲۱۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، باب ۲۷.
۲۱۵. همان، باب ۲۸، ح ۲۳.
۲۱۶. همان، ص ۱۶۶، باب ۲۶، ح ۶.
۲۱۷. همان، ص ۱۶۵، باب ۲۶، ح ۱.
۲۱۸. اشاره به جریان فتح مکه و آزادی سران شرک از جمله ابوسفیان و فرزندانش، به علت عطوفت و رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله.
۲۱۹. همان، ص ۱۸۹، باب ۲۹، ح ۱ / قاضی نعمان تمیمی مغربی تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۱۱۰۷ / ابن ابی الدنيا، کتاب الهوائف، ص ۸۷.
- الا يا عين جودی لی بجهد      ومن یبکی علی الشهداء بعدی  
علی رهط تقودهم المنایا      الی متجبر فی ملک عبد
۲۲۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پیشانی او (حسین علیه السلام) دست کشید و گونه هایش گل انداخت. پدر و مادرش از بزرگان قریشند و نیایش بهترین نیاکان است. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۷-۱۸).
۲۲۱. آیا امتی که حسین را به قتل رساند به شفاعت جدش در روز حساب امیدوار است؟ هرگز، به یقین مشمول شفاعت احمد علیه السلام و ابوتراب علیه السلام نخواهد شد. شما دسته جمع، بهترین مردم و بهترین از پیران و جوانان را کشتید / جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۰، باب ۲۴، ح ۲.
۲۲۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۶۵، باب ۲۶، ح ۳.
۲۲۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۸، ح ۱۳ / جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹۸، باب ۳۰، ح ۱ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۱۳، ح ۳۲.
۲۲۴. همو، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷، ح ۱۰ / همو، کامل الزیارات، ص ۱۹۸، باب ۳۰، ح ۲.
۲۲۵. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹۹، باب ۳۱، ح ۱.
۲۲۶. همان، ح ۲.

۲۲۷. قاضی نعمان تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۱۰۹۶.

۲۲۸. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۲۱ / ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۶، ح ۳۰۸.

۲۲۹. ر. ک: ابن معین، تاریخ ابن معین، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۲۴۳۵ / قاضی نعمان تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۴۱، ح ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶ / زرنندی حنفی، نظم درر المسمطین، ص ۲۲۰ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲، ح ۳ و ص ۳۱۰، ح ۱۲.

۲۳۰. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۳۰ / ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ترجمه الامام الحسین علیه السلام، ص ۳۶۷ / ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۳۳۷ / ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۶.

۲۳۱. محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۸ / ابن نما، مثير الاحزان، ص ۶۳.

۲۳۲. هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۶.

۲۳۳. محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲۳۴. ابن نما، مثير الاحزان، ص ۶۳.

۲۳۵. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۷۲۷، ح ۱۵۲۸ / محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.

۲۳۶. قاضی نعمان تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۱۰۹۷ / محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۷۲۸.

۲۳۷. ر. ک: جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۳۱، باب ۱۷، ح ۸ / قاضی نعمان تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۱۱۱۴. جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۲۳۸. محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵ / ابن نما، مثير الاحزان، ص ۵۷ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۱.

۲۳۹. همو، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲۴۰. همان، ص ۲۱۴.

۲۴۱. همان.

۲۴۲. گویا مراد حضرت این بوده که: این گونه با خدا ملاقات خواهیم کرد.

۲۴۳. همان، ص ۲۱۴ / ابن نما، مثير الاحزان، ص ۵۳ / طبري، ذخائر العقبي، ص ۱۴۴ / مجلسي، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۱.

۲۴۴. ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، ترجمة الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۵۶، ج ۲۹۴.

۲۴۵. همان، ص ۳۶۸.

۲۴۶. محمد بن علي بن بابويه صدوق قمی، ثواب الاعمال، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۲۴۷. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۷۲۷، ج ۱۵۲۹ / مجلسي، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۸، ج ۷، ج ۴۵، ص ۳۲۳، ج ۱۷.

۲۴۸. سليمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۲، ج ۲۸۳۱ / مجلسي، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۹، ج ۱۱.

۲۴۹. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۱۶۳، ج ۲۶۹، قاضي نعمان تميمي مغربي، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۴۴، ج ۱۱۱۴ / خوارزمي، مقتل الحسين عليه السلام، ج ۲، ص ۱۱۰، ج ۴۳ / ابن عساکر، تاريخ مدينة دمشق، ترجمة الامام الحسين عليه السلام، ص ۳۷۱، ج ۳۱۳ / طبري، ذخائر العقبي، ص ۱۴۵ / محمد بن علي سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۶.

۲۵۰. محمد بن علي سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۶ / ابن نما، مثير الاحزان، ص ۶۱ / علي بن موسى ابن طاووس، اللهوف، ص ۸۱ / مجلسي، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۶. قاضي نعمان تميمي مغربي نیز در شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۷۱، ج ۱۱۲۰ این روایت را با کمی اختصار، از جویر بن سعید نقل کرده است.

۲۵۱. ترمذی، سنن، ج ۵، ص ۳۲۵، ج ۳۸۶۹ / محمد بن علي سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۸ / يحيى بن حسن ابن بطريق، العمدة، ص ۴۰۴ / ابی الفداء اسماعیل ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۳۱۵ / محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۵.

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۲۵۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۴۲.

۲۵۳. هر چند این مورد و-شاید- مورد بعدی، قبل از شهادت امام عليه السلام واقع شده، اما به لحاظ شگفت آمیز بودن و نیز ارتباط با شهادت امام عليه السلام در اینجا ذکر شد.

۲۵۴. نام وی، ابن جویره، ابن جوزة و ابن خوزه نیز ضبط شده است.

۲۵۵. ولی رب رحيم و شفاعة نبی مطاع، اللهم ان كان عندك كاذباً فجره الى النار.

۲۵۶. حافظ بن عبدالله بن محمد ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۸، ص ۴۰-۱، ح ۱۷ / حسین ابن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۵۷ / محمد بن علی سروی مازندرانی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۴ / محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۱ / ر.ک: محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد، ج ۱۱، ص ۷۹.

۲۵۷. اللهم جُرّه الى النار و اذقه حرها فى الدنيا قبل مصيره الى الآخرة.

۲۵۸. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۴.

۲۵۹. اللهم انا اهل بيت نبيك و ذريته و قرابته فاقصم من ظلمنا و غصبنا حقنا انك سمیع قریب.

۲۶۰. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.

۲۶۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۲ / ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۵، ص ۴۸ / اربلی، كشف الغمه، ج ۲، ص ۲۱۸ / ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۹۵.

۲۶۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۳ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۰، ح ۱.

۲۶۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۳۱-۵۳۲.

۲۶۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۳۱-۱۳۲، باب ۱۷، ح ۸ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۹، ح ۱۰.

۲۶۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۵ / ابن دمشق، جواهر المطالب، ص ۲۸۷ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲.

۲۶۶. كهف، ۹.

خبري تحليلي راجي ان نيوز

۲۶۷. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۷ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱.

۲۶۸. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۸. فرق و مذاهب

۲۶۹. این روایت به دو صورت توسط منهال بن عمرو نقل شده: بنابر یک روایت، سر مطهر، آیه شریفه أم حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا را قرائت کرد، و مردی با دیدن این صحنه، خطاب به سر مطهر گفت: «ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به خدا سوگند سر تو عجیب تر است». و بنابر روایت دیگر، کسی این آیه را می خواند و سر مطهر به سخن آمد که: «جریان من عجیب تر از جریان اصحاب كهف و رقیم است» / بنگرید به: ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۳۳۳، ح ۱ و ۲ / ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۶۰، ص ۳۷۰ / صالحی شامی، سبل الهدی والرشاد، ج ۱۱، ص ۷۶.

۲۷۰. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲۷۱. آیا امتی که حسین را کشتند امیدوار شفاعت جدّش در روز حساب هستند؟

۲۷۲. نه، به خداوند سوگند، آنان شفیعی نخواهند داشت، و در روز قیامت در عذاب خواهند بود.

۲۷۳. آنان حسین را با فرمانی ستم‌گرانه کشتند و فرمان آنان مخالف فرمان کتاب خدا بود.

۲۷۴. قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۷۸ / ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۱۸ / محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام، ص ۵۸۳ / طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۴۵ / بیاضی عاملی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۷۹ / ابن نجار، ذیل تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۵۹ / ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۰۷ / ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۱۸ / ابن حاتم عاملی، الدر النظیم، ص ۵۶۲.

۲۷۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲۷۶. طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۸ / ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۰۶ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۵.

۲۷۷. ناحیه ای وسیع و کرد نشین در غرب ایران / ر.ک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۷۵.

۲۷۸. خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۶۷ ح ۳۱ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲۷۹. ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۱۸ / مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۵.

۲۸۰. خواستند قبرش را از دشمنش مخفی کنند اما بوی خاک قبر نشانه آن شد / ابن کثیر دمشقی، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۲۲.

۲۸۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴۶۵، باب ۹۲، با عنوان: ان طین قبر الحسین شفاء و امان.

جامع اخبار و مطالب حوزه ادیان، فرق و مذاهب

۲۸۲. شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۱۹، ح ۶۴۸ / ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۲۰.

۲۸۳. شیخ طوسی، التبیان، ص ۳۲۰ / ابن شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب، ج ۳، ص ۲۲۰.

۲۸۴ طه، ۱۲۴.